

مدیریت بحران‌های سیاسی زلزله احتمالی تهران: بحران اقتدار و مشروعیت سیاسی

* دکتر رسول افضلی

** اسلام یاری شگفتی

چکیده

بحران‌های سیاسی همیشه برآمده از عوامل انسانی نیستند و ممکن است در اثر عوامل طبیعی چون زلزله، سیل، آتشفشان، خشکسالی و... بروز کنند. فرض اصلی این است که در این وضعیت، ماهیت این بحران‌ها و نیز نحوه مدیریت آنها شکل متمایزی می‌یابد. زلزله احتمالی تهران به طور بالقوه توانایی مواجه نمودن نظام سیاسی ایران را با چندین بحران سیاسی دارد که مهم‌ترین آنها بحران اقتدار و مشروعیت است. از منظر جامعه‌شناسی

* عضو هیئت علمی دانشگاه تهران (rafzali@ut.ac.ir)

** دانشجوی دکترای تخصصی جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران (yari358@gmail.com)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۱/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۲/۴

پژوهشنامه علوم سیاسی، سال هفتم، شماره دوم، بهار ۱۳۹۱، صص ۸۶-۴۹.

سیاسی آسیب‌پذیری دو عامل «نقش» و «نهاد» که به ترتیب به «کارگزاران سیاسی» و «نهادهای» اشاره دارند، نظام را درگیر بحران اقتدار می‌سازد. ماهیت تمرکزگرای نظام سیاسی ایران و به تبع آن تمرکز همه نهادهای سیاسی در تهران به عنوان یکی از زلزله‌خیزترین شهرهای ایران، امکان این آسیب‌پذیری را بیشتر ساخته است. با وقوع زلزله‌ای مخرب در تهران علاوه بر اینکه نخبگان تصمیم‌گیرنده نظام (که طیف کوچکی را تشکیل می‌دهند) و نهادهای سیاسی (که اغلب در مجاورت گسل‌های زلزله قرار گرفته‌اند) آسیب‌پذیر می‌شوند، محیط پیرامونی داخلی و خارجی نظام سیاسی نیز مهبای حرکت‌های بحران‌خیز می‌شود. فائق آمدن بر این بحران مستلزم انجام اقدامات مدیریتی کوتاه‌مدت و بلندمدت است که به طور همزمان باید اتخاذ شوند.

واژگان کلیدی: زلزله، تهران، نظام سیاسی، بحران اقتدار و مشروعیت، مدیریت بحران.

مقدمه

امروزه با تکامل جوامع بشری و گسترده شدن سرمایه‌های اجتماعی محیطی، واژه‌های سیل و زلزله تنها منعکس‌کننده مفاهیم مهندسی یا جغرافیای طبیعی نیستند بلکه به گونه‌ای عمیق‌تر بر گفتمان زبان علوم اجتماعی بار شده و فضای متمایزی را بر روی پژوهش‌های اجتماعی گشوده‌اند.

سوانح طبیعی به واسطه ماهیت ناگهانی بودن حادثه، قادرند نظم اجتماعی جوامع را نسبت به اثرات عوامل غیرطبیعی همچون جنگ، با آسیب‌های جدی‌تر مواجه سازند. در جوامع امروزی تعدد سطح برخورداری‌ها، گسترش ارتباطات، افزایش نیازهای توسعه‌ای و... موجب شده که دامنه تأثیرات ناشی از سوانح طبیعی به فراتر از مناطق آسیب‌دیده گسترش یابد و از سوی دیگر فراوانی و شدت تأثیرات و پیامدهای آن در مناطق آسیب‌دیده گسترده‌تر و شدیدتر شود.^(۱)

شهر تهران و ری تاکنون هشت بار به وسیله زلزله‌هایی با بزرگی بیش از هفت ریشتر با خاک یکسان شده است.^(۲) به طور متوسط هر ۱۵۰ سال یک زلزله بزرگ در تهران اتفاق می‌افتد و اکنون ۱۷۵ سال از آخرین زلزله گذشته است^(۳)، بر اساس گفته‌ها و نوشته‌های متخصصان امر، احتمال وقوع زلزله مهیب دیگری در تهران دور از انتظار نیست. این گزاره کلی که در سال‌های اخیر، جزئیات آن مورد کنکاش بیشتری قرار گرفته، مسئولان کشور را به واکنش واداشته و به نوبه خود یکی از مهم‌ترین مباحث مطرح در مدیریت مسائل کلان جامعه شده است. اما مطالعه اقدامات پیشگیرانه و مدیریتی دولت، حاکی از درک و شناخت ناقص ابعاد گسترده این مسئله مهم و به تبع آن ساده‌سازی جنبه‌های مدیریتی آن است. از جنبه نظری تحقیقات انجام گرفته در این زمینه که طبعاً با هدف شناخت آسیب‌پذیری‌ها و ارائه

راهکارهای مدیریتی انجام گرفته، کمتر معطوف به شناخت ابعاد اجتماعی و مدیریت بحران‌های آن بوده و حتی برخی از حوزه‌های مهم مثل آسیب‌پذیری‌های نظم سیاسی به عنوان محور مدیریتی سایر حوزه‌ها به فراموشی سپرده شده است. این مقاله با هدف پر کردن این خلأ مطالعاتی و فائق آمدن بر خطاهای روشی مطالعات محدود انجام‌گرفته در حوزه نظم اجتماعی، به مطالعه یکی از جنبه‌های فراموش‌شده آسیب‌پذیری‌های زلزله احتمالی تهران یعنی آسیب‌پذیری‌های سیاسی و به طور خاص به بررسی و مدیریت بحران اقتدار و مشروعیت می‌پردازد.

۱. بحران‌های سیاسی ناشی از سوانح طبیعی

در مطالعات جامعه‌شناسی سیاسی بحث بحران سیاسی و فرایند مدیریت آن از جنبه‌های مختلف مفهومی و نظری دارای ابعاد وسیع و پیچیده‌ای است و احتمالاً این گستردگی با حضور متغیرهای دخالت‌کننده غیر سیاسی همچون سوانح طبیعی که در نقش عوامل بحران‌زا ظاهر می‌شوند، بیشتر خواهد شد. نقش سوانح طبیعی به مثابه متغیر دخالت‌کننده غیر سیاسی تنها معطوف به عامل و یا علت بحران‌زایی نیست بلکه حوزه گسترده‌تری را به‌ویژه در امر فرایند مدیریت بحران نیز شامل می‌شود. بر این اساس سوانح طبیعی هم می‌توانند بحران‌های سیاسی ایجاد کنند و هم در نقش متغیر مستقل و یا کنترل بر فرایند مدیریت این بحران‌ها اثرگذار باشند. بدیهی است طرح این مباحث در هر دو حوزه علل و شیوه مدیریت بحران‌های سیاسی مستلزم حضور مفاهیم و یا نظریه‌های جدیدی در این حوزه‌هاست. بحران سیاسی به مثابه مفهومی روشن و صریح در عرصه مطالعات سیاسی، ممکن است در اثر حضور عامل غیر سیاسی سوانح طبیعی ماهیت متمایزی یابد و یا اینکه فرایند تصمیم‌گیری و مدیریت آن از چهارچوب‌های نظری متفاوتی پیروی کند.

سوانحی که در درون یک مادرشهر (پایتخت) اتفاق می‌افتد، به دلیل تمرکز جمعیت، تنوع و فراوانی نقش‌ها (سیاسی، اقتصادی و...)، امکانات و دیگر عوامل خطرناک، پیچیده‌تر از دیگر مکان‌ها هستند.^(۴) تجارب تاریخی در کشورهای مختلف نشان می‌دهد بروز سوانح طبیعی در مراکز مهم سیاسی مثل پایتخت‌ها، بنادر مهم تجاری و شهرهای پُرجمعیت، نظام‌های سیاسی را با بحران‌های سیاسی متعددی

مواجه کرده است. روی هم رفته بحران‌های سیاسی ناشی از سوانح طبیعی از سه جهت با بحران‌های سیاسی ناشی از عوامل انسانی متفاوتند: نخست اینکه بحران‌های سیاسی ناشی از سوانح طبیعی به‌ویژه زلزله اجتناب‌ناپذیر و جدی هستند^(۵) و قابلیت پیش‌بینی کمتری دارند، از همین رو پتانسیل‌های تخریبی آنها به مراتب گسترده‌تر است. در واقع ناگهانی بودن بحران و تحت تأثیر قرارگیری جمعیت زیاد و غیر قابل کنترل بودن که ویژگی متمایز آن است^(۶)، همراه با عدم قابلیت پیش‌بینی به‌ویژه در مورد وقوع زلزله تأثیر مضاعفی بر تعمیق بحران‌های سیاسی ایجاد شده خواهد داشت. ویژگی دوم بحران‌های سیاسی برخاسته از سوانح طبیعی، شدت بیشتر آسیب‌های آنهاست. در واقع بحران سیاسی ناشی از سوانح طبیعی را از این جهت که شبکه‌ای از خرده‌بحران‌های کوچک سیاسی را در خود جای داده، می‌توان نوعی ابربحران سیاسی دانست. سومین ویژگی متمایز بحران‌های سیاسی ناشی از سوانح طبیعی، شکل مدیریت آنهاست. ماهیت متمایز مدیریت این دسته از بحران‌های سیاسی ناشی از چند عامل است: نخست اینکه منشأ تهدید، عاملی انسانی نیست و به همین دلیل کنترل و مدیریت آثار آن غالباً اطمینان‌بخش نبوده و بیشتر به صورت یک اقدام مدیریتی احتمالی مطرح است.

بحران‌های سیاسی ناشی از عوامل انسانی معطوف به عامل اراده‌اند و مدیریت آنها نیز مبتنی بر شاخص‌های عقلانی و ارادی است. عامل دوم به گستردگی و ماهیت شبکه‌ای این دسته از بحران‌ها برمی‌گردد. تجربه نشان می‌دهد مدیریت بحران‌های شبکه‌ای عملاً مشکل و گاه ناممکن است. اگر بر اثر وقوع زلزله، بحران‌های چندگانه سیاسی دامن‌گیر نظام سیاسی شوند، طبعاً مدیریت آنها از قواعد مدیریتی معمول بحران‌های سیاسی پیروی نمی‌کند. از همین رو مدیریت عملی این دسته از بحران‌ها مستلزم ارائه راهکارهای مدیریتی متمایز و مبتنی بر اصول خاصی است و بالاخره از آنجاکه سوانح طبیعی ماهیتی غیرسیاسی دارند، مدیریت بحران‌های سیاسی ناشی از آنها مستلزم تجارب خاص غیرسیاسی است. بحران‌های سیاسی ناشی از عوامل انسانی چنانکه آلموند نیز اشاره دارد، بیشتر برخاسته از ذات نظام سیاسی هستند و مدیریت آنها نیازمند اقدامات مدیریتی کاملاً سیاسی است.^(۷) بحران‌های ناشی از وقوع سوانح طبیعی متشکل از دو متغیر مستقل مطالعاتی‌اند.

زلزله و یا هر سانحه طبیعی از شاخص‌های مطالعاتی متمایزی پیروی می‌کند و تداخل آن با یک امر سیاسی، اقدامات مدیریتی آن را متأثر می‌سازد. مدیریت بحران‌های سیاسی ناشی از سوانح طبیعی، مستلزم شناخت شاخص‌های مطالعاتی سوانح طبیعی و رعایت نظام مدیریتی غیر سیاسی است.

در کشورهایی که به لحاظ جغرافیایی روی کمربند بلایای طبیعی قرار دارند، احتمالاً سیاست نیز متأثر از سوانح طبیعی است. در این کشورها، سوانح طبیعی همچون زلزله، سیل، آتشفشان و... در مواردی ممکن است به عنوان عوامل اثرگذار موجب تضعیف و یا حتی سقوط نظام سیاسی شوند. مثلاً در کشورهای چین، ژاپن، ایتالیا، ایران و ترکیه که به ترتیب زلزله‌خیزترین کشورهای جهان هستند، زلزله یکی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر سیاست آنها بوده است. مثلاً زلزله سال ۱۹۵۲ توکیو علاوه بر هزینه‌های اقتصادی گرافی که متحمل دولت کرد، عملاً نظام سیاسی ژاپن را تا آستانه فروپاشی پیش برد.^(۸) مثلاً زلزله سال ۱۹۹۹ استانبول یکی از مهم‌ترین دلایل سقوط کابینه بولنت اجویت و به تبع آن افول موقعیت سکولارها و نظامیان در ترکیه بود. در واقع طی این زلزله بود که مردم دریافتند سکولارها و نظامیان برخلاف شعارهای خود توان کم‌رسانی و مدیریت بحران ایجادشده را ندارند. همچنین در اثر وقوع همین زلزله بود که چهره دولت یونان به عنوان اصلی‌ترین دشمن ترکیه از طریق کم‌رسانی به‌موقع آن، به‌شدت نزد افکار عمومی مردم ترکیه تغییر کرد و بعد از سال‌های متعددی بهبود روابط این دو کشور حاصل شد.^(۹)

کشور ایران سرزمینی چین‌خورده و شکسته و ناپایدار است^(۱۰) و به دلیل قرار گرفتن در کمربند کوهزایی آلپ - هیمالیا (کمربند مستعد وقوع زلزله) یکی از قربانیان همیشگی زلزله است.^(۱۱) بر اساس منابع مستند در هر چهار تا نه سال، یک زمین‌لرزه شدید که دارای هزینه‌های سرسام‌آور اقتصادی برای دولت بوده در ایران روی داده است.^(۱۲)

غیر از هزینه‌های گزاف اقتصادی، زلزله‌های ایران به‌ویژه در بیست سال اخیر به لحاظ سیاسی پیامدهای امنیتی، حقوقی و شهرنشینی گسترده‌ای به همراه داشته‌اند. زلزله ۳۱ خرداد ماه ۱۳۶۹ در شمال کشور، اولین بحران سیاسی جدی دولت پس از جنگ بود. در جریان این زلزله غیر از هزینه‌های سرسام‌آور اقتصادی،

نارضایتی‌های ناشی از عدم کمک‌رسانی به‌موقع، نخستین انتقادهای سیاسی را در فضای توده‌ای جامعه متوجه نخبگان سیاسی کرد.^(۱۳)

زلزله شهر بم نیز پیامدهای سیاسی گسترده‌ای داشت. غیر از تحمیل هزینه‌های گزاف بازسازی، ناامنی‌های ایجادشده در شهر و فرار مجرمان از زندان‌ها و همچنین مهیا شدن فضای مناسب برای رشد گروه‌های لُپین در حوالی شهر، تا اندازه زیادی مشروعیت نظام و دولت وقت را در سطح محلی به چالش کشید. افزون بر این موارد، انتقادهای دامنه‌دار مردم آسیب‌دیده از وضعیت آسیب‌دیدگی و عدم کمک‌رسانی و بازسازی مناسب، مشکلات دولت وقت را در برآورده کردن خواسته‌های مردم دوچندان ساخت.

روی هم‌رفته از منظر سیاسی می‌توان وقوع هفت بحران احتمالی ناشی از زلزله احتمالی تهران را مورد مطالعه قرار داد: بحران اقتدار و مشروعیت سیاسی، بحران امنیت، بحران نفوذ (رسانه‌ای)، بحران قومی، بحران شهر نشینی، بحران حقوقی (تشکیلات حقوقی)، بحران توزیع (اقتصادی).^(۱۴) در این مقاله به بررسی و مطالعه بحران اقتدار و مشروعیت و چگونگی مدیریت آن می‌پردازیم.

۲. بحران اقتدار و مشروعیت سیاسی

با توجه به دو نکته اصلی، می‌توان استدلال کرد در صورت وقوع زلزله مخرب در تهران، نظام سیاسی آسیب‌پذیر می‌شود: نخست، ماهیت تمرکزگرای نظام سیاسی و دوم وضعیت زلزله‌خیزی تهران و پراکندگی نهادهای سیاسی نسبت به گسله‌های زلزله.

ماهیت تمرکزگرای نظام سیاسی ایران به تمرکز نهادهای سیاسی ایران در پایتخت اشاره دارد. می‌توان گفت هیچ‌گونه عدم تمرکزی حتی در سطوح خُرد سیاسی نیز مشاهده نمی‌شود. در واقع علاوه بر تجمع نهادها و مراکز اصلی تصمیم‌گیری و اجرایی نظام سیاسی جمهوری اسلامی در تهران، عملکرد و کارایی نهادهای سیاسی خُرد محلی در سایر نقاط کشور نیز به طور مستقیم وابسته به تصمیمات سیاسی مرکز است. این تمرکز عناصر اصلی مهم نظام سیاسی یعنی نهادها و نقش‌ها (نخبگان اجرایی) در تهران که بر اساس شواهد و مستندات علمی

وقوع یک زلزله مخرب در آن دور از انتظار نیست، آسیب‌پذیری گسترده‌ای را متوجه نظام سیاسی ایران می‌کند.^(۱۵) گسله‌های متعدد زلزله‌خیز در تهران با توجه به حوزه‌ها و مشخصات مناطق حساس لرزه‌زایی، پتانسیل تخریب کامل شهر تهران را دارند.^(۱۶) علاوه بر این، نهادهای سیاسی که بدنه اصلی سیستم سیاسی را تشکیل می‌دهند به گونه‌ای در سطح شهر تهران پراکنده شده‌اند که در هر حال، با وقوع یک زلزله مخرب از طرف هر یک از گسله‌های اصلی و فرعی شهر، تخریب گسترده‌ای متوجه آنان خواهد شد.

آسیب‌پذیری نظام سیاسی ایران از زلزله احتمالی تهران به دو طریق امکان‌پذیر است. نخست: آسیب‌پذیری مستقیم که در آن بر اثر آسیب‌ها و بحران‌های وارده، اجزای اصلی سیستم سیاسی (بخش‌های داده، فرایند تصمیم‌گیری، بازده و بازخورد) دچار ناکارکردی شده و در نتیجه کارکرد نظام سیاسی دچار اختلال می‌شود. دوم آسیب‌پذیری غیرمستقیم که در آن آسیب‌ها و بحران‌های ناشی از زلزله در محیط پیرامونی سیستم سیاسی کارکردهای آن را با اختلال مواجه می‌سازند.

حوزه مدیریت و تصمیم‌گیری سیاسی، به عنصر فرایند تصمیم‌گیری در داخل سیستم سیاسی اشاره دارد و هرگونه آسیب‌پذیری که منجر به ناکارآمدی آن شود، بحران اقتدار و مشروعیت را به دنبال خواهد داشت. در بحران اقتدار و مشروعیت سیاسی که اصلی‌ترین بحران نظام سیاسی محسوب می‌شود، پایگاه قدرت مورد مخاطره قرار گرفته و مبنای پذیرش حکومت زیر سؤال می‌رود. به نظر می‌رسد وقوع یک زلزله مخرب در شهر تهران با آسیب‌پذیر ساختن دو عنصر اصلی نهادهای سیاسی و نخبگان سیاسی، می‌تواند نظام سیاسی ایران را با بحران اقتدار و مشروعیت مواجه سازد.

در حوزه مدیریت و تصمیم‌گیری سیاسی، می‌توان شش آسیب سیاسی زلزله احتمالی تهران را برشمرد که احتمالاً زمینه‌ساز بحران اقتدار و مشروعیت سیاسی نظام می‌شوند. این شش آسیب سیاسی از منظر رویکرد سیستمی به طور مستقیم یا غیرمستقیم، نظام سیاسی ایران را به چالش می‌کشند.

۱-۲. فوت و یا معلولیت نخبگان سیاسی تصمیم‌گیرنده نظام: محدودیت تعداد نخبگان تصمیم‌گیرنده، به عنوان ویژگی اصلی حوزه تصمیم‌گیری سیاسی نظام

سیاسی ایران، در ماهیت خود اجرای «نقش» را به عنوان کارویژه اصلی سیستم سیاسی آسیب‌پذیر ساخته است. با وقوع زلزله تهران و احتمالاً آسیب‌دیدگی مقامات تصمیم‌گیرنده نظام، قطعاً مسئله جایگزینی این مقامات، فضای هرج‌ومرج‌گونه سیاسی و بحرانی را ایجاد می‌کند. غیر از فضای جدید حاکم بر جامعه که در آن افراد و گروه‌ها نسبت به قبل به نوعی خودآگاهی سیاسی دست یافته‌اند، محدودیت زمانی و وضعیت اضطراری پس از زلزله که فرصت تصمیم‌گیری عقلانی را پیرامون انتخاب‌های درست ساقط می‌کند نیز احتمال ظهور فضای بحرانی را تشدید می‌کند. در حال حاضر گروه‌های سیاسی متعددی با گرایش‌ها و جهت‌گیری‌های سیاسی متفاوت در عرصه سیاسی ایران حضور دارند. علاوه بر این، برخی از گروه‌های سیاسی نیز به واسطه گرایش‌های سیاسی افراطی‌شان از عرصه سیاست برکنار مانده‌اند. همچنین احتمال حضور گروه‌های سیاسی مخالف خارج از کشور نیز دور از انتظار نیست.

به نظر می‌رسد در چنین فضایی مدیریتی جایگزینی یک مقام عالی‌رتبه سیاسی پس از زلزله مشکل و بحران‌زا خواهد بود. در هر حال معلولیت و یا فوت نخبگان عالی‌رتبه نظام در شرایطی که بحران‌های سیاسی و اجتماعی متعدد دامن‌گیر نظام می‌شود، از این جهت که زمینه‌ساز اخلال در نظام تصمیم‌گیری کشور می‌شود و همچنین از جهت تعیین جانشین مناسب در مدت زمان محدود می‌تواند نظام را با بحران اقتدار و مشروعیت مواجه سازد. پراکنش نهادها و مراکز سیاسی و به‌ویژه مراکز مهم نسبت به مناطق سه‌گانه زلزله‌خیز و همچنین گسله‌های اصلی و فرعی شهر تهران به گونه‌ای است که در صورت وقوع زلزله مخرب و امکان حادث شدن آن در حین ساعت کاری، آسیب‌های جانی زیادی را برای نخبگان و تصمیم‌گیرندگان عالی‌رتبه نظام در این نهادها و مراکز به بار می‌آورد.

۲-۲. تخریب نهادهای مهم سیاسی: آثار و پیامدهای زلزله در تخریب نهادهای مهم نظام که بدنه اصلی سیاسی را تشکیل می‌دهند نیز می‌تواند به نوعی بحران اقتدار و مشروعیت را به دنبال داشته باشد. چنان‌که اشاره شد ماهیت تمرکزگرای نظام سیاسی ایران سبب شده نهادهای سیاسی در پایتخت متمرکز شوند. از همین رو آسیب‌پذیری آنها در قبال هرگونه حادثه‌ای که امنیت این شهر را به خطر بیندازد

زیاد است. نهادهای سیاسی متمرکز در شهر تهران را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱. نهادهای اصلی تصمیم‌گیری و اجرایی نظام شامل رهبری، ریاست‌جمهوری، مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام و قوه قضاییه؛

۲. سازمان‌ها، وزارتخانه‌ها و مراکز مهم نظامی - امنیتی شامل سازمان‌ها و وزارتخانه‌های دولت و ستاد پشتیبانی نیروهای مسلح، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی؛

۳. نهادهای سیاسی خرد در قالب مراکز اداری - سیاسی.

عدم تمرکز در نظام سیاسی ایران صرفاً مربوط به حضور تعدادی از نهادهای سیاسی تابعه در سطح استان‌ها و شهرستان‌ها و تشکیلات مدنی مثل شوراهاست. با این وجود عملکرد نهادهای سیاسی تابعه در سطح استان‌ها و شهرستان‌ها تا اندازه‌ی زیادی وابسته به مدیریت مرکزی در پایتخت است. از سوی دیگر، شوراهای شهر و روستا و سایر تشکیلات سیاسی غیردولتی مثل احزاب در سطوح محلی فضای مناسبی برای انجام کارکردهای محلی ندارند. بدین‌سان می‌توان گفت علاوه بر تمرکز نهادهای سیاسی در مرکز، ماهیت متمرکز نظام تصمیم‌گیری و اجرایی سیستم سیاسی ایران حساسیت و اهمیت نهادهای سیاسی واقع در مرکز را در تحکیم پایه‌های نظام بیشتر می‌کند. در واقع آسیب‌پذیری نهادهای سیاسی در مرکز از این جهت که مدیریت و اداره‌ی سیاسی کل کشور را مختل می‌سازد، زمینه‌های بروز بحران اقتدار و مشروعیت نظام را تسهیل می‌کند.

با توجه به وضعیت تخریب مراکز نهادهای سیاسی مهم حوزه مدیریت و تصمیم‌گیری سیاسی، احتمال بروز اختلال‌هایی در کارکردهای سیستم سیاسی وجود دارد. تخریب فیزیکی ساختمان‌های مراکز و نهادهای سیاسی و تلف شدن پرسنل آنها و همچنین مفقود شدن اسناد و مدارک مربوط، مهم‌ترین بخش درونی سیستم سیاسی یعنی حوزه مدیریت و تصمیم‌گیری را دچار ناکارکردی می‌سازد. برآیند این ناکارکردی طی زمان که خود را در محیط پیرامونی (محیط اجتماعی) نشان می‌دهد، بحران اقتدار و مشروعیت سیاسی است. با پدیدار شدن ناکارکردی در این بخش و

در سطح شدیدتر، فروپاشی آن، در روند تبدیل داده‌ها به بازده‌های سیستم سیاسی اختلال ایجاد شده و در عمل نظام سیاسی دچار بحران می‌شود.

۲-۳. آسیب‌پذیری حاکمیت سیاسی و مهیا شدن فضای مناسب برای ابراز نارضایتی: غیر از فوت یا معلولیت نخبگان تصمیم‌گیرنده و تخریب نهادهای سیاسی که به طور مستقیم سیستم سیاسی را آسیب‌پذیر می‌سازند، زلزله تهران ممکن است به طور غیرمستقیم و از طریق محیط پیرامونی سیستم، نظام سیاسی را مورد هدف قرار دهد. جو بحران برای فرصت‌طلبان سیاسی و حتی اقتصادی، کینه‌توزان و دشمنان محیط مناسبی است و آنها با استفاده از بی‌نظمی و به هم خوردن نظام به آسانی می‌توانند به امیال غیراصولی خود جامه عمل بپوشانند.^(۱۷) بر این اساس احتمالاً در اثر فضای هرج‌ومرج‌گونه سیاسی، عرصه مناسبی برای اعتراض و آشوب و شورش ایجاد می‌شود که ممکن است مشروعیت نظام را به چالش بکشد. چنان‌که اشاره شد محیط پیرامونی سیستم سیاسی شامل نظام اجتماعی و محیط خارجی است که ممکن است سیستم سیاسی را با پتانسیل‌های مثبت و یا منفی خود تقویت یا آسیب‌پذیر سازند. نظام اجتماعی، محیط پیرامون داخلی، عرصه بازخوردهای سیستم سیاسی است. اگر عملکرد سیستم در محیط پیرامونی خود بازخورد مثبت ایجاد کند، محیط حمایتی مشابهی برای آن در نظام اجتماعی ایجاد می‌شود. در مقابل، بازخوردهای منفی علاوه بر آنکه کارکردهای درونی سیستم را مختل می‌سازد، محیط پیرامونی بحران‌زایی ایجاد خواهد کرد. محیط پیرامونی بحران‌زای سیستم سیاسی متأثر از اعتراض‌های افراد و گروه‌ها در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. در واقع بحران‌های این‌گونه محیط‌ها به هنگام آسیب‌پذیر شدن سیستم سیاسی ظهور کرده و آن را مورد هجوم قرار می‌دهند. فرض اصلی این است که محیط پیرامونی داخلی نظام سیاسی ایران دارای پتانسیل‌های بحران‌زایی است و ممکن است به هنگام ضعف اقتدار نظام، خود را نمایان سازند.

۲-۴. تهدیدهای مرزی و دخالت قدرت‌های بزرگ: غیر از آسیب‌پذیری‌های ناشی از نظام اجتماعی، بحران اقتدار و مشروعیت نظام سیاسی ایران به هنگام وقوع زلزله احتمالی تهران ممکن است در اثر فعال شدن پتانسیل‌های بحران‌زایی محیط

خارجی رخ دهد. بر این اساس آسیب‌پذیر شدن حاکمیت سیاسی در مرکز احتمالاً تهدیدهای مرزی نظام سیاسی ایران از جانب همسایگان و همچنین دخالت قدرت‌های بزرگ به‌ویژه امریکا و انگلیس را در اداره امور سیاسی کشور در پی دارد. در مورد احتمال بروز تهدیدهای مرزی چند مسئله قابل تأمل وجود دارد: نخست موضوع سکونت پنج قومیت ایرانی یعنی ترک‌ها، ترکمن‌ها، کردها، اعراب و بلوچ‌ها در مناطق مرزی که دنباله فضایی - جغرافیایی آنها در آن سوی مرزهای جغرافیایی قرار دارد، زمینه مناسبی را برای وقوع بحران در نقاط مرزی به وجود می‌آورد.^(۱۸) نارضایتی اقوام و همچنین تجارب تاریخی شورش‌های آنها در مواقع ضعف حکومت مرکزی، احتمال بروز تحرکات فرامرزی را از جانب هریک از کشورهای هم‌مرز با این اقوام بیشتر می‌کند. در واقع بروز زلزله احتمالی تهران و آسیب‌پذیری حاکمیت سیاسی در مرکز، فرصت مناسبی را برای دولت‌های همسایه ایران در تحریک قومیت‌های همجوار و احتمال تهدیدهای مرزی فراهم می‌کند. مسئله دوم مربوط به اختلافات تاریخی مرزی ایران با برخی از کشورهای همسایه مثل عراق و امارات متحده عربی است. اختلاف مرزی با عراق تاکنون در شکل‌های مختلفی خود را نشان داده و دور از انتظار نیست که دوباره با تضعیف حاکمیت سیاسی در مرکز با حمایت کشورهای امریکا و انگلیس بروز کند. خلاً قدرت در مرکز ممکن است بر مالکیت جزایر سه‌گانه از سوی امارات متحده عربی نیز تأثیرگذار باشد. اساساً آنچه خواسته‌های اعراب را در مالکیت این جزایر باعث شد، خلاً قدرت مربوط به زمان انقلاب مشروطه بود.^(۱۹) بنابراین بعید نیست که با وقوع زلزله احتمالی تهران و بی‌توجهی زمامداران به این مسئله برای بار دیگر مسئله تصرف و مالکیت دائمی عربی این جزایر احیا شود.

مسئله سوم، حضور قدرت‌های بزرگ در منطقه و تحریکات آنها علیه ایران به عنوان یکی از کشورهای محور شرارت است. ایران هم‌اکنون به واسطه اجرای مراحل اصلی طرح خاورمیانه بزرگ در آسیای جنوبی و مرکزی، مابین گیره‌ای قرار گرفته که یک سر آن ترکیه و کشورهای آسیای مرکزی و سر دیگر آن را کشورهای عربی تشکیل می‌دهند.^(۲۰) طبعاً این کشورها که اکنون به جایگاه حضور قدرت‌های بزرگ دنیا بدل شده‌اند، قادرند با تحریک آنها تهدیدهای مرزی عمده‌ای را متوجه ایران کنند.

دخالت قدرت‌های بزرگ در قالب اقدامات بشردوستانه در مرحله پس از وقوع زلزله با هدف اداره امور سیاسی کشور نیز دور از انتظار نیست. غیر از تحولات سیاسی اخیر در منطقه خاورمیانه که در آنها تنها با دخالت و تعیین‌کنندگی قدرت امریکا و متحدانش بحران‌های سیاسی در کشور افغانستان و عراق پایان یافت، نمونه‌های تاریخی دیگری نیز در گذشته می‌توان از دخالت مشروع و یا غیر مشروع این کشور برای کنترل اداره امور سیاسی کشورها اشاره کرد. برای مثال می‌توان از جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ و جنگ کوزوو یاد کرد که در هر دو با دخالت امریکا و متحدانش، بحران سیاسی پایان پذیرفت.^(۲۱) اشغال کویت در سال ۱۹۹۱ توسط صدام حسین در واقع نوعی خلأ قدرت سیاسی را در یکی از کشورهای منطقه ایجاد کرد که در پی آن، امریکا بلافاصله مدیریت سیاسی بحران را به دست گرفت.^(۲۲) بحران‌های سیاسی ایجادشده در کوزوو نیز بدون دخالت امریکا پایان نپذیرفت. این تجارب تاریخی به اضافه موارد دیگری که در سطح خردتر در هریک از کشورهای جهان می‌توان به آنها اشاره کرد، نشان می‌دهد هر نوع خلأ قدرت ناشی از عوامل انسانی و یا طبیعی، پای امریکا و متحدانش را به صحنه مدیریت بحران می‌کشاند.^(۲۳)

۲-۵. تهدیدهای اپوزیسیون خارجی: تهدیدات ناشی از عملکرد گروه‌های مخالف خارجی نیز مربوط به آسیب‌های محیط پیرامونی نظام سیاسی ایران است که ممکن است در شرایط پس از زلزله احتمالی تهران دامن‌گیر نظام شود. گروه‌های مخالف خارجی به‌ویژه مجاهدین خلق و سلطنت‌طلبان همواره منتظر فرصت هستند تا با تضعیف حاکمیت سیاسی در ایران در اثر هر عامل انسانی یا طبیعی به نوعی در فرایند قدرت سیاسی سهم شوند. انگیزه‌های مداخله‌جویانه این گروه‌ها که از آغاز دوران حاکمیت نظام سیاسی جمهوری اسلامی وجود داشته، در سال‌های اخیر همراه با فشارهای خارجی شدت بیشتری یافته است. تهدیدهای اشخاصی همچون اهورا برای حضور در ایران و تحریک مردم علیه نظام و یا مقتضیات گسترده سلطنت‌طلبان برای به دست‌گیری دوباره قدرت، هرچند با توجه به مناسبات حاکم بر عرصه سیاسی ایران تا اندازه‌ای دور از ذهن و غیرواقعی به نظر می‌رسد، اما در هر حال اینها بیانگر وجود پتانسیل‌های

بحران‌زای محیط خارجی برای نظام سیاسی ایران هستند که با تضعیف نظام سیاسی و پیدایش وضعیت هرج و مرج گونه سیاسی ممکن است جنبه واقعی نیز پیدا کنند. تهدیدهای اپوزیسیون خارجی در این شرایط ممکن است به چند شکل انجام پذیرد: نخست تهاجم مرزی به‌ویژه از طرف کشورهای عربی که پایگاه این گروه‌ها محسوب می‌شوند. نمونه عینی این اقدام در سال ۱۳۶۷ از طرف مرزهای غربی علیه نظام سیاسی ایران انجام شد که با دفاع نظامی ایران راه به جایی نبرد. در شرایط حاضر دست زدن به این اقدام به‌ویژه در زمانی که حاکمیت سیاسی در اثر وقوع زلزله احتمالی تهران دچار بحران‌های متعدد سیاسی و اجتماعی است و همچنین با توجه به حمایت‌های گسترده قدرت‌های خارجی از این گروه‌ها دور از انتظار نیست. دوم، تبلیغات گسترده و تحریک مردم برای آشوب یا شورش‌های سیاسی. این گروه‌ها با توجه به بهره‌گیری از وسایل ارتباطی مناسب به‌ویژه ماهواره در شرایطی که احتمالاً نظام اطلاع‌رسانی داخل ایران در اثر وقوع زلزله دچار اختلال و یا ناکارآمدی شده است، می‌توانند با تبلیغات و تحریک گسترده مردم زمینه‌های آشوب‌ها و شورش‌های سیاسی را علیه نظام فراهم کرده و به نوعی نظام را با بحران اقتدار و مشروعیت مواجه سازند.

۶-۲. دخالت نهادها و سازمان‌های بین‌المللی: دخالت نهادها و سازمان‌های بین‌المللی در شرایط بحرانی کشورها عموماً رایج و معمول است و در مورد بحران‌های ناشی از حوادث طبیعی مثل زلزله امری معمول‌تر و پذیرفته‌شده‌تر است. نهادها و سازمان‌های غیردولتی ممکن است از جانب هریک از کشورهای خارجی فرصت حضور و دخالت در امور سیاسی کشور را پیدا کنند. این نهادها معمولاً قدرت تأثیرگذاری زیادی ندارند. اما سازمان‌های بین‌المللی رسمی عمدتاً قدرت بیشتری برای تأثیرگذاری دارند. از مهم‌ترین این سازمان‌ها می‌توان به سازمان ملل، صندوق بین‌المللی پول و... اشاره کرد.^(۲۴)

امروزه نقش سازمان‌های بین‌الدولی و غیردولتی جهانی و منطقه‌ای در مبارزه با حوادث و بلایای طبیعی و کاهش آلام و درد و رنج بشری امری پذیرفته شده است.^(۲۵) حتی برخی سازمان‌های نظامی و اقتصادی، همانند ناتو و آسه‌آن پس از جنگ سرد بخشی از فعالیت‌های خود را در زمینه مبارزه با بلایای طبیعی اختصاص

داده‌اند. آنچه در این زمینه اهمیت دارد این است که کمک‌ها صرفاً و تنها با انگیزه انسان‌دوستانه اعطا نمی‌شود و در بیشتر موارد با اهداف سیاسی کشورها و سازمان‌های اعطاکننده آمیخته است. یکی از سازمان‌هایی که در زلزله احتمالی تهران، نقش برجسته‌ای بر عهده خواهد داشت سازمان ملل است. مسئله مهم درباره نقش سازمان ملل در زلزله احتمالی تهران این است که در صورت تضعیف نظام سیاسی موجود، این سازمان ممکن است مجوز دخالت قدرت‌های بزرگ به‌ویژه امریکا را در امور داخلی ایران به‌ویژه در امر فرایند دولت‌سازی صادر کند و با دخالت‌های وسیع و نامحدود خود، ایرانی جدید پی‌ریزی کند. سازمان دیگری که به‌نوعی دخالت آن در امور ایران انتظار می‌رود، اتحادیه اروپاست که ممکن است با سازمان ملل همکاری تنگاتنگی برقرار کند.

۳. مدیریت بحران

برای خنثی کردن این آسیب‌پذیری‌ها می‌توان اقدامات مدیریتی را در دو مرحله کوتاه‌مدت و بلندمدت به انجام رساند. اقدامات مدیریتی کوتاه‌مدت خود به سه مرحله پیش از زلزله، حین زلزله و پس از زلزله قابل تقسیم است. در ادامه این اقدامات مدیریتی تشریح می‌شوند:

۱-۳. اقدامات مدیریتی کوتاه‌مدت قبل از زلزله

اولویت زمانی مدیریت بحران در بحران اقتدار مشروعیت سیاسی یا بحران شدید عبارت است از اقدامات مدیریتی پیش، حین و پس از زلزله. در واقع شدت تهدید زیاد، زمان تصمیم‌گیری محدود، میزان محدود آگاهی از آثار و پیامدهای مخرب بحران و حساسیت موضوع، اولویت زمانی اقدامات مدیریتی قبل از زلزله را ایجاب می‌کند. منظور از شدت تهدید زیاد، میزان آسیب‌پذیری گسترده‌ای است که نظام سیاسی در اثر وقوع این بحران متحمل خواهد شد. زمان تصمیم‌گیری محدود در واقع به مفهوم بلا واسطه بودن آثار و پیامدهای این بحران و مدت زمان محدود بررسی مدیریت آن است. منظور از میزان محدود آگاهی سیاسی از آثار و پیامدهای بحران، جنبه‌های پوشیده و پنهان بحران‌زایی در این حوزه است و بالاخره حساسیت موضوع به مفهوم مهم بودن بحران اقتدار مشروعیت سیاسی در مجموع

بحران‌های سیاسی نظام است. مجموع این متغیرها اقدامات مدیریتی پیش از زلزله را مهم‌تر و حساس‌تر می‌سازد.

■ **شناسایی و ارزیابی صحیح موقعیت محل سکونت نخبگان تصمیم‌گیرنده نظام نسبت به گسل‌های زلزله:** چنان‌که اشاره شد فوت یا معلولیت احتمالی نخبگان عالی نظام، آسیب‌پذیری گسترده‌ای را متوجه آن خواهد کرد. به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین اقدامات مدیریتی پیش از زلزله در این حوزه که تا اندازه زیادی ضریب آسیب‌پذیری و تولید بحران را محدود می‌کند، شناسایی و ارزیابی دقیق محل سکونت نخبگان تصمیم‌گیرنده نظام نسبت به گسل‌های زلزله و انجام اقدامات مدیریتی لازم در زمینه تغییر محل سکونت و یا مقاوم‌سازی آنهاست.

■ **برنامه‌ریزی قبلی برای کمک‌رسانی و امداد نجات ویژه در محل‌های سکونت نخبگان تصمیم‌گیرنده نظام:** یکی دیگر از اقدامات مدیریتی پیش از زلزله که می‌تواند آسیب‌های وارده بر نظام سیاسی را محدود کند، برنامه‌ریزی قبلی برای کمک‌رسانی ویژه در محل سکونت نخبگان تصمیم‌گیرنده نظام است. در این زمینه پیش‌بینی و تشکیل تیم ویژه کمک‌رسانی مفید خواهد بود. این تیم ویژه بر اساس برنامه از پیش تنظیم‌شده می‌تواند در موقع زلزله، آسیب‌پذیری نخبگان عالی‌رتبه نظام را کاهش داده و میزان بحران‌خیزی را محدود سازد.

■ **پیش‌بینی و برنامه‌ریزی قبلی برای جایگزینی نخبگان سیاسی نظام در صورت آسیب‌دیدگی:** تهیه و تدارک برنامه احتمالی قبلی برای جایگزینی نخبگانی که در اثر وقوع زلزله دچار آسیب‌دیدگی می‌شوند، از اقدامات مدیریتی مفید قبل از زلزله است. تهیه و تنظیم این برنامه به‌ویژه برای نخبگان نهادهای انتصابی مانند رهبر، اعضای شورای نگهبان، اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، نخبگان نظامی و... مهم‌تر به نظر می‌رسد. در واقع با آسیب‌دیدگی هریک از این نخبگان علاوه بر اینکه فرایند مدیریت و تصمیم‌گیری سیاسی به تأخیر می‌افتد، فرایند جایگزینی آنها نیز تولید بحران می‌کند. تعیین جانشین برای این نخبگان همواره پتانسیل‌های بحران‌زایی را در درون خود نهفته داشته و طبعاً در شرایط پس از وقوع زلزله که فضای هرج‌ومرج‌گونه سیاسی بر جامعه حاکم است و فرصت محدودی برای تصمیم‌گیری وجود دارد، تعیین جانشین به‌ویژه برای مقامات بالای نظام، زمینه‌های

تولید بحران را فراهم می‌کند؛ بنابراین آمادگی لازم برای مقابله با این بحران در قالب یک برنامه از پیش تعیین شده مفید و سازنده خواهد بود. این برنامه می‌تواند حاوی یک دستورالعمل قانونی مکتوب و چگونگی اجرایی کردن آن باشد.

■ **شناسایی و ارزیابی صحیح موقعیت نهادها و مراکز مدیریت و تصمیم‌گیری**
سیاسی نسبت به گسل‌های زلزله‌خیز و برآورد میزان آسیب‌پذیری آنها: یکی دیگر از اقدامات مدیریتی پیش از زلزله در این حوزه، شناسایی و ارزیابی صحیح موقعیت نهادها و مراکز مدیریت تصمیم‌گیری سیاسی نسبت به گسله‌های زلزله و برآورد میزان آسیب‌پذیری آنهاست. امروزه روش‌های پیشرفته‌ای برای ارزیابی میزان آسیب‌پذیری سازه‌ها و برآورد تلفات و خسارت‌های ناشی از زلزله به وجود آمده است. با استفاده از نتایج بررسی‌ها، میزان آسیب‌پذیری لرزه‌ای ساختمان‌های موجود می‌توان نسبت به برنامه‌ریزی یا اولویت‌بندی و انتخاب روش‌های مناسب اقدام کرد.^(۳۶) با این شناخت می‌توان برای بهسازی لرزه‌ای و یا از بین بردن ساختمان‌هایی که بالقوه امکان ریزش دارند اقداماتی انجام داد^(۳۷) و حداقل از تخریب ساختمان‌های مهم، تلفات جانی نخبگان و سایر پرسنل، مفقود شدن اسناد و مدارک مهم سیاسی و اطلاعاتی و همچنین از ایجاد وقفه در ادامه امور سیاسی کشور جلوگیری کرد. به نظر می‌رسد دستیابی به چنین شناختی، حداقل در مورد نهادهای سیاسی مهم و وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مربوطه مهم و حیاتی است.

■ **انتقال اسناد و اطلاعات مهم و محرمانه تصمیم‌گیری و مدیریت سیاسی کلان نظام به نواحی کمتر آسیب‌پذیر: حفظ اسناد و اطلاعات مهم و محرمانه تصمیم‌گیری‌های سیاسی کشور مسئله‌ای حیاتی در بقا و تداوم نظام سیاسی است.** اطلاعات محرمانه مربوط به تصمیم‌گیری‌های کلان کشور در نهاد ریاست جمهوری، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس و یا هریک از وزارتخانه‌ها به‌ویژه وزارت دفاع و سازمان‌های مربوطه، وزارت اطلاعات، وزارت کشور، نقشی حیاتی در بقای نظام سیاسی دارند. قطعاً اقدامات پیشگیرانه احتیاطی در منتقل ساختن اسناد و اطلاعات مهم و محرمانه این نهادها به ساختمان‌های مقاوم در نواحی کمتر آسیب‌پذیر و حتی در رابطه با نهادها و یا سازمان‌هایی که خطر آسیب‌پذیری کمتری دارند، مهم و سازنده خواهد بود.

■ تشکیل تیم نظامی - امنیتی ویژه برای حفاظت از ساختمان‌های صدمه‌دیده

نهادهای سیاسی: حفاظت از ساختمان‌های نهادهای سیاسی در زمان زلزله و پس از زلزله امری مهم و حیاتی است؛ بنابراین به عنوان یک اقدام مدیریتی قبل از زلزله می‌توان تیم نظامی و امنیتی ویژه‌ای را برای حفاظت از این ساختمان‌ها تشکیل داد تا در شرایط اضطراری وارد محل شوند. تشکیل این تیم ویژه در موقعیت زمانی پیش از زلزله فرصت مناسبی را در اختیار مدیران قرار خواهد داد تا با غلبه بر عامل محدودیت زمان، پیشاپیش برنامه مناسبی برای حفاظت از ساختمان‌های نهادهای سیاسی آسیب‌دیده تهیه و تدارک ببینند.

■ مطالعه میدانی دقیق از واکنش مردم نسبت به نظام سیاسی در دوره پس از

زلزله: سنجش و یا پیش‌بینی واکنش‌های احتمالی جامعه نسبت به وقوع زلزله تهران بدون انجام یک مطالعه میدانی دقیق، تقریباً ناممکن است. زلزله با در نظر گرفتن نتایج آن یک تخریب اجتماعی است. پس از زلزله، ویرانی اجتماعی هم به همان اندازه ویرانی محیط طبیعی تجربه می‌شود.^(۲۸) هرچند در روزهای آغازین، بروز نوعی احساس هم‌دردی نسبت به آسیب‌دیدگان مسلم و قطعی به نظر می‌رسد، با این وجود دو مسئله اساسی را در این رابطه نمی‌توان نادیده گرفت: نخست تفاوت نوع برخورد با مردم و نظام سیاسی: قطعاً نوع‌دوستی و هم‌دردی مردم نسبت به یکدیگر بارها در تجربه‌های مختلف مثل زلزله رودبار و بم مشاهده شده و نمی‌توان آن را انکار کرد، اما نگرش مردم با توجه به تحریکات ناشی از فعالیت اپوزیسیون داخلی و خارجی قطعاً قابل پیش‌بینی نیست. مسئله دوم به زمان بروز واکنش‌ها برمی‌گردد. در روزهای آغازین پس از زلزله ممکن است حس نوع‌دوستی و هم‌دردی، فرایند مخالفت با نظام را نیز مانع شود اما به مرور زمان احتمالاً شاهد رفتار متفاوتی از مردم هستیم.^(۲۹) علاوه بر فعالیت‌های سازمان‌یافته‌ای که ممکن است نظام را مورد تهدید قرار دهد، انتظارات مردم در امر کمک‌رسانی و بازسازی سریع که به طور قطع از عهده دولت برنخواهد آمد، احتمال بروز رفتارها و واکنش‌های سیاسی متمایز را بیشتر می‌کند؛ بنابراین، پیشاپیش نمی‌توان حکم به بروز واکنش‌های هم‌گرایانه در راستای مشروعیت بخشیدن به نظام را داد. با انجام یک مطالعه میدانی دقیق می‌توان حتی ضریب واکنش‌های احتمالی مردم را سنجید.

مثلاً اینکه واکنش‌های منفی مردم ممکن است در قالب انتقاد، اعتراض، آشوب، شورش و یا انقلاب ظاهر شوند. طبعاً، با مشخص شدن نتایج دقیق در هر مورد می‌توان برنامه‌ریزی مناسبی را برای انجام فعالیت‌های تبلیغاتی و اجرایی ارائه کرد.

■ برنامه‌ریزی برای استفاده از نهادها و تشکیلات مدنی در خنثی‌سازی آشوب‌ها

و شورش‌های سیاسی احتمالی در زمان زلزله: عملکرد نهادها و تشکیلات مدنی در فرو نشاندن زمینه‌های بحران از این جهت که جزئی از جامعه محسوب می‌شوند، کارسازتر است. در حال حاضر چهار نهاد احزاب، مطبوعات، اتحادیه‌ها و بسیج می‌توانند کارکردهای مفیدی را در راستای خنثی‌سازی بحران‌های سیاسی ناشی از زلزله به انجام برسانند. احزاب و جناح‌های سیاسی مختلف که در سال‌های اخیر فرایند نهادینه‌سازی را تجربه کرده‌اند، می‌توانند گستره وسیعی از نیازهای سیاسی اجتماعی از کمک‌رسانی گرفته تا ایجاد امنیت و دعوت مردم به آرامش را پوشش دهند. مطبوعات می‌توانند با انعکاس گزارش‌های مثبت و تزریق روحیه همکاری و دعوت به آرامش، گام مهمی را در راستای همگرایی سیاسی جامعه و جلوگیری از وقوع بحران‌ها و ناآرامی سیاسی بردارند. اتحادیه‌ها اعم از اتحادیه‌های دانشجویی، تجاری و کارگری در قالب تشکلهای سازمان‌یافته هر یک به تناسب کارویژه‌های خود می‌توانند در راستای سالم‌سازی و آرامش فضای سیاسی جامعه کارکردهای مفیدی داشته باشند و در نهایت بسیج در قالب یک تشکل سازمان‌یافته اجتماعی قادر است علاوه بر آنکه زمینه‌های بروز تنش‌ها و شورش‌های سیاسی را خنثی سازد، جامعه را به آرامش دعوت کرده و اقدامات حمایتی خود را از نظام به صورت‌های مختلف در درون جامعه تزریق کند.^(۳۰) قطعاً کاربری صحیح و مناسب این نهادها و تشکلهای مستلزم مدیریت دقیق آنها از جانب دولت و تهیه برنامه جامع عملکردی برای آنهاست.

■ برنامه‌ریزی قبلی برای مقابله با تهدیدهای احتمالی مرزی در هنگام بروز زلزله

به‌ویژه در مناطق حساس مرزی: چنان‌که اشاره شد یکی از تهدیدهایی که به هنگام وقوع زلزله تهران احتمالاً نظام سیاسی ایران را با بحران اقتدار و مشروعیت مواجه می‌سازد، تهدیدهای احتمالی مرزی است. اقدام مدیریتی مناسب در دوره زمانی قبل از زلزله برای این مورد، برنامه‌ریزی قبلی برای مقابله با تهدیدهای احتمالی مرزی

به‌ویژه در نواحی حساس مرزی است. نهادهای مسئول امنیت مرزها، باید با توجه به مسئله خاص زلزله احتمالی تهران، تهدیدهای احتمالی مرزی را پیش‌بینی و برای برطرف کردن آنها اقدامات تأمینی لازم را در آن نواحی در پیش گیرند.

■ **استفاده از کشور یا کشورهای متحد به عنوان کشور معین:** از آنجاکه ممکن است در اثر وقوع زلزله احتمالی تهران (به‌ویژه در شرایطی که این زلزله با ریشتر و قدرت بالا رخ دهد)، نظام سیاسی تا آستانه آسیب‌پذیری کامل پیش رود، لذا پیشنهاد می‌شود از طریق قرارداد و اتحاد با کشورهای دیگر به‌ویژه با کشورهای همسایه، به نوعی یک کشور معین تعیین شود. کشور معین در واقع طبق قرارداد منعقد شده سامان‌دهی مجدد نظم سیاسی و اجتماعی را در فقدان نظام سیاسی عهده‌دار می‌شود. البته مبادرت ورزیدن به چنین کاری مستلزم انجام مطالعات کارشناسانه و رعایت دقیق نکات مدیریتی است زیرا هرگونه اشتباهی در انتخاب کشور و یا موارد قرارداد ممکن است آسیب‌های به‌مراتب بیشتری را به نظام سیاسی وارد سازد. کشور مورد نظر باید از جهت ویژگی‌های اجتماعی و جهت‌گیری‌های سیاسی دارای اشتراک‌های گسترده‌ای با ایران باشد و حداقل سوابق تاریخی روابط دو کشور منعکس‌کننده این اشتراک‌ها باشد. انتخاب کشور با ویژگی‌های مختلف همسان علاوه بر آنکه زمینه‌های پذیرش اجتماعی آن را از سوی جامعه مهیا می‌سازد در فرایند خنثی‌سازی توطئه‌های کشورهای خارجی و یا آسیب‌هایی که ممکن است در عرصه نظام بین‌الملل به کشور وارد آید، نیز مؤثر است. این اقدام مدیریتی به طور خاص مربوط به وزارت امور خارجه است. انجام یک مطالعه دقیق و کارشناسانه و اقدام دیپلماتیک مؤثر در این زمینه حداقل زمینه‌های ظهور بحران‌های نظام را تا اندازه زیادی زائل خواهد ساخت.

■ **تهیه برنامه جامع استفاده از کمک‌های خارجی شامل سازمان‌های بین‌المللی، کشورهای همسایه و قدرت‌های بزرگ:** از آنجاکه هزینه خسارت‌های ایجاد شده در زلزله برای یک دولت بالاست^(۳۱) در شرایط پس از وقوع زلزله عموماً کمک‌های خارجی از سوی سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای خارجی اهدا می‌شود.^(۳۲) با این وجود این مسئله زمانی وضعیت حساسی می‌یابد که دخالت سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای خارجی با هدف سامان‌دهی نظم سیاسی اجتماعی صورت گیرد. زلزله

تهران و آسیب‌پذیری نظم سیاسی احتمالاً چنین شرایطی را پدید خواهد آورد. چنان‌که اشاره شد، دخالت سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای خارجی حتی با انگیزه‌های خیرخواهانه، در صورت فقدان مدیریت مناسب بحران‌زا خواهد شد؛ بنابراین یکی از اقدامات مدیریتی پیش از زلزله در حوزه مدیریت و تصمیم‌گیری سیاسی تهیه برنامه‌های جامع در زمینه چگونگی برخورد با سازمان‌ها و کشورهای دخالت‌کننده و مدیریت کمک‌های آنهاست. سازمان‌ها را می‌توان به دو دسته سازمان‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تقسیم کرد. در سطح منطقه سازمان‌ها به طور خاص کارکرد ویژه‌ای در این رابطه ندارند. اما سازمان‌های فرامنطقه‌ای چنان‌که پیشتر اشاره شد، به طور خاص متولی کارویژه‌های کمک‌رسانی و دخالت در امور سیاسی جامعه هستند. مدیریت مناسب و دخالت چنین سازمان‌هایی در شرایط بحران پس از زلزله نیازمند تهیه و تنظیم دستور کار جامع قبلی است، چراکه فاصله زمانی محدود پس از زلزله فرصت تصمیم‌گیری عقلانی پیرامون این مسئله را زائل می‌سازد.

سازمان‌هایی مثل سازمان ملل که قدرت تأثیر بیشتری دارند، احتمالاً در شرایط بحران خواهان دخالت بیشتر در امور سیاسی کشور هستند و حتی ممکن است بر اساس آیین‌نامه سازمان، مسئله اداره امور سیاسی کشور مطرح شود. برنامه جامع مدیریتی که باید با مطالعه دقیق و کارشناسانه توسط نهادهای مسئول به‌ویژه وزارت امور خارجه تهیه و تنظیم شود، باید دقیقاً با مطمح نظر قرار دادن تمام مسائل، راهکارهای مناسبی را برای این دخالت‌ها و تصمیم‌گیری‌ها تدوین کند.

دخالت کشورهای همسایه و یا قدرت‌های بزرگ نیز با انگیزه‌های مختلف خیرخواهانه یا سودجویانه در شرایط پس از زلزله امکان‌پذیر است کما اینکه این مسئله دارای سوابق تاریخی نیز هست. کشورهای همسایه ایران و همچنین قدرت‌های بزرگ مثل آمریکا و انگلیس و روسیه در جریان زلزله بم دخالت کرده و حتی آمریکا با لغو دوماهه تحریم‌های خود در صدد تحول در ایجاد روابط با ایران برآمد. با این وجود، زلزله تهران و آسیب‌پذیری نظم سیاسی، مهم‌تر و حساس‌تر به نظر می‌رسد؛ از همین رو دخالت این کشورها در شرایطی که نظام سیاسی آسیب‌پذیر شده باشد، مسئله مهم سیاسی محسوب می‌شود. طبعاً مدیریت این مسئله

نیازمند تهیه برنامه جامع قبلی با مطالعات دقیق و کارشناسانه و ارائه راهکارهای مفید مدیریتی است.

۲-۳. اقدامات مدیریتی کوتاه‌مدت حین زلزله

در مرحله حین زلزله نیز هریک از حوزه‌های آسیب‌پذیر بنابه ضرورت‌ها و ویژگی‌های خاص خود نیازمند انجام یک سری اقدامات مدیریتی ویژه هستند. حساسیت این مرحله مربوط به وضعیت هرج و مرج و مرچ‌گونه سیاسی و بی‌ثباتی و ناآرامی‌های موجود اجتماعی است. از آنجاکه در این مرحله هنوز اقدامات مدیریتی پس از زلزله آغاز نشده و فضای پُر تشویش روحی و روانی شهر، فرصت انجام اقدامات عقلانی را سلب کرده، به لحاظ سیاسی فضای مناسبی برای گروه‌های مخالف و سودجو در ضربه زدن به نظام سیاسی و برهم زدن امنیت جامعه ایجاد می‌شود. از سوی دیگر در مرحله حین زلزله، نخستین اقدامات مدیریتی صورت می‌گیرند و برنامه‌ریزی صحیح مدیریتی آن، زمینه‌های موفقیت مدیریت مرحله پس از زلزله را نیز فراهم می‌کند. در صورتی که در مرحله حین زلزله برنامه‌های مدیریتی به‌موقع آغاز و انجام شود، مهم‌ترین وضعیت بحرانی سپری‌شده و اقدامات مدیریتی پس از زلزله سریع‌تر انجام می‌گیرد.

اگر در مرحله حین زلزله که جامعه سیاسی خودبه‌خود دچار بی‌ثباتی و تشویش است، برنامه‌های مدیریتی در حوزه اقتدار و مشروعیت سیاسی به‌درستی انجام نگیرد، دامنه بحران گسترده شده و در مراحل بعد نیز کنترل آن دشوار می‌شود. در مرحله حین زلزله نظام سیاسی به‌ویژه از جانب گروه‌های مخالف و معاند و همچنین محیط پیرامونی خارجی بیشتر در معرض تهدید است. فضای هرج و مرج‌گونه سیاسی و عدم ثبات سیاسی در این مرحله فرصت‌های مناسبی را برای ضربه زدن به نظام به‌ویژه در حوزه بحران‌خیز اقتدار و مشروعیت سیاسی فراهم می‌کند. در ادامه به مهم‌ترین اقدامات مدیریتی حین زلزله در این حوزه اشاره می‌کنیم.

■ **مدیریت رسانه‌ای بحران:** در دنیای کنونی رسانه‌ها تبدیل به یک ابزار توانمند برای تهییج احساسات، افکار و حتی تغییر رفتارهای فردی و جمعی شده‌اند^(۳۳)، به

گونه‌ای که در اختیار داشتن رسانه و مدیریت مناسب آن رمز مدیریت بحران‌های عصر ماست.^(۳۴) از آنجاکه ثبات و امنیت ملی تابعی از رویکرد افکار عمومی و رضایت و نارضایتی مردم در شرایط بحرانی است؛ رسانه‌ها از جایگاه ویژه‌ای در این زمینه برخوردارند و می‌توانند نقش مؤثری در ایجاد اعتماد افکار عمومی به دولت و نظام ایفا کنند.^(۳۵) مدیران و کارگزاران رسانه‌های گروهی برای ایفای نقش فعال و کارآمد در شرایط بحرانی باید در وهله نخست شناخت دقیقی از نوع بحران، آثار و پیامدهای آن به دست آورند و سپس با شناخت ضرورت‌های اجتماعی و ویژگی‌های مخاطبان، رسانه مناسب را بر مبنای ظرفیت‌ها و کارکردهای خاص آن انتخاب کنند. در حین بحران، رسانه‌ها با اطلاع‌رسانی سریع و اثربخش، آرامش‌بخشی و کاهش فشار روانی به بازگشت وضعیت عادی کمک می‌کنند.^(۳۶) از سوی دیگر نباید از نقش برخی رسانه‌های داخلی و بیگانه در تشدید بحران غافل شد. شناخت رسانه‌ها و نحوه عملکرد و شیوه اداره آنها، در کنار توجه به نوع وابستگی و محتوای تولیدات رسانه‌ای آنها، مخاطبان و آثار مورد نظر آنها از عوامل اساسی مدیریت و جلوگیری از تشدید بحران توسط رسانه‌هاست.^(۳۷)

■ انجام اقدامات ویژه کمک‌رسانی و امداد نجات ویژه در محل سکونت نخبگان

سیاسی: لازم است در شرایط وقوع زلزله یک تیم کمک‌رسانی و امداد نجات ویژه، نخبگان سیاسی را از آسیب‌های احتمالی که ممکن است در زمان حین و پس از زلزله متوجه آنها شود، نجات دهند. این تیم ویژه باید در شرایط قبل از زلزله تشکیل و وظیفه اصلی آن صرفاً امدادرسانی به نخبگان سیاسی باشد.

■ انجام اقدامات ویژه تأمینی در محل سکونت نخبگان سیاسی: در زمان حین

زلزله که وضعیت کاملاً بحران‌زاست و برنامه‌های مدیریتی برای حفظ ثبات و سامان‌دهی به نظم سیاسی - اجتماعی هنوز آغاز نشده‌اند، فرصت مناسبی برای مخالفان نظام سیاسی است تا با ترور شخصیت‌های مهم سیاسی نظام و دستبرد زدن به اسناد و اطلاعات مهم سیاسی، زمینه بروز بحران‌های سیاسی را فراهم کنند؛ از همان آغاز زلزله انجام اقدامات ویژه تأمینی در محل سکونت نخبگان سیاسی لازم است. این تیم ویژه امنیتی نیز چنان‌که در بخش اقدامات مدیریتی کوتاه‌مدت قبل از زلزله اشاره شد باید از قبل تشکیل و برنامه‌های اجرایی آن نیز کاملاً مشخص باشند.

■ **تلاش در جهت آرام‌سازی فضای سیاسی جامعه در صورت صدمه دیدگی و یا فوت مقامات بالای نظام:** چنان‌که قبلاً اشاره شد، با توجه به محل‌های سکونت نخبگان سیاسی و قرار گرفتن آنها در منطقه تخریب، احتمال صدمه‌دیدگی و یا فوت آنها وجود دارد. صدمه‌دیدگی مقامات بالای نظام می‌تواند فضای سیاسی جامعه را به آشوب بکشد. غیر از این، بحران و آشوب به‌ویژه در زمان زلزله که وضعیت تثبیت‌نشده‌ای است می‌تواند زمینه‌ساز بحران‌های اساسی‌تر برای نظام شود. برای فائق آمدن بر این آسیب‌ها می‌توان از طریق تکنیک‌های خاص تبلیغاتی (حداقل تا تثبیت شدن اوضاع) مانع از تنش و آشوب در جامعه شد.

■ **تلاش در جهت حفاظت امنیتی کامل از ساختمان‌های صدمه‌دیده نهادهای مهم سیاسی:** نهادهای مهم سیاسی، چنان‌که اشاره شد به علت قرار گرفتن در منطقه پُرخطر و احتمال تخریب گسترده آنها با آسیب‌های زیادی مواجه می‌شوند. مفقود شدن اسناد و مدارک مهم سیاسی و امنیتی، دستبرد زدن به اموال دولتی، اختلال در نظم امنیتی از طریق دزدی و ضربه زدن به نظام امنیتی کشور از مهم‌ترین آسیب‌هایی است که ممکن است در اثر تخریب نهادهای سیاسی امنیتی متحمل نظام شود. حفاظت از ساختمان‌های مهم به‌ویژه در حین زلزله که اوضاع سیاسی هنوز تثبیت نشده است، مهم و حیاتی خواهد بود. برای این منظور می‌توان از تیم‌های امنیتی استفاده کرد که در دوره قبل از زلزله، شکل‌گیری و چگونگی عملیاتی شدن برنامه آنها فراهم شده است.

■ **فعال کردن برنامه مدیریتی امنیتی پیش‌بینی‌شده برای مقابله با آشوب‌ها و شورش‌های اجتماعی در سطح شهر و کل کشور:** زمینه‌های ایجاد آشوب و شورش به‌ویژه در شرایطی که هدایت شده باشند در زمان زلزله مهم‌تر است. در این وضعیت که هنوز اوضاع سیاسی تثبیت نشده و برنامه‌های مدیریتی به مرحله اجرا درنیامده، گروه‌ها و شخصیت‌های مخالف به‌راحتی زمینه‌ساز آشوب و شورش‌های گسترده سیاسی و اجتماعی می‌شوند، بنابراین فعال کردن برنامه مدیریتی که مقدمات آن در دوره قبل از زلزله فراهم شده، حیاتی است.

■ **فعال کردن برنامه امنیتی پیش‌بینی‌شده در مناطق مرزی برای مقابله با تهدیدهای مرزی از جانب کشورهای همسایه و اپوزیسیون خارجی:** چنان‌که اشاره شد

یکی از نتایج و آثار احتمالی وقوع زلزله در بخش مدیریت و تصمیم‌گیری سیاسی، تهدیدهای مرزی از جانب کشورهای همسایه و اپوزیسیون خارجی است. این تهدیدها در زمان زلزله که هنوز وضعیت تثبیت‌شده مدیریتی ایجاد نشده امکان بیشتری برای ظهور دارند؛ بنابراین لازم است در این مرحله برنامه امنیتی پیش‌بینی‌شده در نواحی مرزی فعال شده و مراقبت‌های لازم صورت پذیرد.

■ **فعال کردن برنامه جامع همگونی اخذ کمک‌های خارجی از سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای خارجی:** به منظور جلوگیری از آسیب‌های احتمالی ناشی از اخذ کمک‌های خارجی به‌ویژه در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی لازم است که از همان آغاز برنامه جامع چگونگی اخذ کمک‌های خارجی فعال شده و از پراکنده‌کاری‌های رایج در این مورد پرهیز شود.

۳-۳. اقدامات مدیریتی کوتاه‌مدت پس از زلزله

انجام اقدامات مدیریتی در حوزه بحران اقتدار و مشروعیت سیاسی در مرحله پس از زلزله مهم و حیاتی است. در واقع با انجام این اقدامات آسیب‌پذیری‌های حوزه مشروعیت نظام ترمیم شده و مدیریت سایر حوزه‌ها بهتر انجام می‌شود.

■ **رعایت دقیق برنامه‌های مدیریتی پیش‌بینی‌شده در مرحله پیش از زلزله:** مدیریت حوزه مدیریت و تصمیم‌گیری سیاسی به علت حساسیت و ضربه‌پذیری بیشتر نیازمند رعایت دقیق برنامه‌های مدیریتی است؛ از این رو اولین اصل مدیریتی در این حوزه کاربرد دقیق برنامه مدیریتی پیش‌بینی‌شده در این حوزه است. غالباً تصمیم‌گیری دفاعی و عاجلانه در این حوزه علاوه بر آنکه مانع از نتایج مفید مدیریتی می‌شود، احتمالاً باعث آسیب‌پذیری‌های بیشتر و بحران‌های عمیق‌تر نظام سیاسی خواهد شد. مدیریت آسیب‌های ایجادشده بر اساس برنامه‌های از قبل تهیه‌شده‌ای که با مطالعات پژوهشی و کارشناسانه تنظیم شده‌اند، مسلماً مفیدتر است. هرگونه تغییر این برنامه‌ها باید با رعایت جوانب مدیریتی انجام پذیرد.

■ **اقدامات لازم و ضروری در زمینه انتصاب نخبگان سیاسی جایگزین (در صورت صدمه دیدگی یا فوت نخبگان سیاسی):** زلزله تهران احتمالاً صدمه دیدگی نخبگان سیاسی را نیز در پی دارد که در هر حال نیازمند مدیریت مناسب و دقیق

است. در این زمینه وضعیت نخبگان سیاسی بالای نظام حساس‌تر است و مراحل اجرایی آن باید در مرحله پیش از زلزله به طور دقیق تهیه و تنظیم شوند.

■ **احیای سریع‌تر نظم سیاسی از طریق برنامه‌های پیش‌بینی‌شده پیش از زلزله در زمینه تشکیلات مدیریتی نظم سیاسی:** در مرحله پس از زلزله، نظم سیاسی باید هرچه سریع‌تر احیا شود چراکه تأخیر در اقدامات مدیریتی و عدم احیای نظم سیاسی در کوتاه‌مدت، زمینه‌ساز بحران‌های گسترده‌تر سیاسی شده و نظام با آسیب‌های داخلی و خارجی جبران‌ناشدنی مواجه می‌شود. تشکیلات مدیریتی نظم سیاسی باید در کوتاه‌ترین زمان به ساماندهی نظم سیاسی بپردازند. احیای نظم سیاسی در چند مرحله عملی است. مرحله نخست برقراری کامل امنیت و برقراری آرامش سیاسی و اجتماعی در جامعه است که نیازمند اجرای برنامه جامع نظام امنیتی پس از زلزله است. برنامه جامع به طور کلی شامل سرکوب ناآرامی‌ها و آشوب‌های سیاسی، سرکوب گروه‌های سیاسی مخالف، برقراری نظام امنیتی کامل در سطح شهر مثل کنترل فساد، دزدی، قتل و ایجاد امنیت کامل در مرزهای کشور است. مرحله دوم ترسیم فرایند تصمیم‌گیری و اجرایی سیاسی نظام است. این مرحله به ترسیم احیای دو مقوله نقش و نهاد که اجزای اصلی نظام سیاسی هستند مربوط می‌شود. احتمالاً در اثر زلزله، نخبگان سیاسی که مجری نقش‌های سیاسی نظام هستند و همچنین نهادهای سیاسی به عنوان بدنه فیزیکی نظام آسیب‌پذیر می‌شوند. جایگزینی مناسب و سریع نخبگان سیاسی صدمه‌دیده، راه‌اندازی سریع نهادهای سیاسی اصلی تصمیم‌گیری و اجرایی مثل مجلس، نهاد ریاست‌جمهوری، مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای نگهبان و قوه قضاییه و محلی کردن فرایند تصمیم‌گیری سیاسی و اجرایی، مرحله دوم احیای نظم سیاسی محسوب می‌شود.

■ **بازسازی هرچه سریع‌تر مراکز صدمه‌دیده نهادهای سیاسی:** هرچند با تخریب احتمالی نهادهای سیاسی می‌توان کارکردهای نظام سیاسی را در مکان‌های جدید و یا حتی شهرهای دیگر به انجام رساند، با این وجود بازسازی مراکز صدمه‌دیده در مکان‌های اصلی علاوه بر آنکه آرامش سیاسی را فراهم می‌کند، در بازدهی مناسب کارکردهای نظام نیز مؤثر است. البته در بازسازی ساختمان‌های نهادهای سیاسی این نکته را باید در نظر داشت که بازسازی به مفهوم ترمیم ساختمان‌های قدیمی نهادهای

نیست. برخی از مراکز در مناطق پُرخطر و زلزله‌خیز قرار دارند که در صورت تخریب جایگاه این نهادها باید تغییر کرده و بازسازی انجام شود.

■ **اعلان بسیج عمومی و تلاش در راستای کسب حمایت عمومی در سرکوب شورش‌ها و ناآرامی‌های ایجادشده:** چنان‌که اشاره شد، انتقادات و اعتراض‌ها قطعاً مشکلات پیچیده‌ای را در زمان وقوع زلزله پدید خواهد آورد. این مسئله وقتی اهمیت دوچندانی می‌یابد که نحوه مدیریت بحران ایجادشده و نارضایتی‌هایی که ناشی از این مدیریت است نیز به این موضوع افزوده شود. تجارب تاریخی نشان داده استفاده از بسیج عمومی در جامعه سیاسی ایران ابزار مناسبی برای مشروعیت‌بخشی به نظام سیاسی بوده است. در وضعیت کنونی، بسیج سیاسی از طریق فتوای دینی و مذهبی و همچنین با تکیه بر نهادها و نمادهای ملی امکان‌پذیر است.

■ **فعال کردن برنامه پیش‌بینی‌شده قبلی در زمینه استفاده از نهادها و تشکیلات مدنی در حمایت از نظام سیاسی و نهادهای سیاسی آن:** چنان‌که اشاره شد نهادها و تشکیلات مدنی می‌توانند نقش مهمی در فرونشاندن بحران‌های سیاسی نظام سیاسی داشته باشند. کارکرد این نهادها و تشکیلات شامل احزاب، اتحادیه‌ها و مطبوعات مستلزم برنامه مدیریت مناسبی است که در هر یک از مراحل مختلف بحران به اجرا در بیاید. در مرحله پس از زلزله که برنامه جامع مدیریتی زلزله به اجرا درمی‌آید و به تدریج آرامش سیاسی بر جامعه حاکم می‌شود، نقش نهادها و تشکیلات مدنی در بحران‌زدایی محسوس‌تر است.

■ **تأمین امنیت کامل مرزها و اجرای برنامه‌های ویژه در مناطق مرزی آسیب‌پذیر:** چنان‌که اشاره شد یکی از آسیب‌های احتمالی وارده بر نظام، تهدیدهای مرزی به‌ویژه در مناطق مرزی آسیب‌پذیر است. در بخش مدیریت پیش از زلزله اشاره شد که برای این منظور باید برنامه جامعی همراه با راهکارهای عملیاتی آن تهیه و تنظیم شود. در مرحله پس از زلزله همزمان با مدیریت عرصه داخلی، دفع تهدیدهای احتمالی مرزی نیز مهم است. فعال کردن برنامه جامع امنیتی مرزها که در مرحله قبل از زلزله تدوین شده، مهم‌ترین اقدام مدیریتی در این مرحله است.

■ **مدیریت مناسب فرایند کمک‌رسانی خارجی از جانب سازمان‌های بین‌المللی و**

کشورهای خارجی: چنان‌که اشاره شد در نبود یک مدیریت مناسب، کمک‌رسانی‌های خارجی نیز به‌ویژه در عرصه سیاسی می‌تواند نظام را آسیب‌پذیر سازد. برنامه جامع مدیریت کمک‌رسانی‌های خارجی که در مرحله پیش از زلزله تدوین شده، در مرحله پس از زلزله باید عملیاتی شود. حساسیت موضوع بیشتر مربوط به دخالت قدرت‌های بزرگ و سازمان‌های بین‌المللی در اداره امور سیاسی کشور است. در صورت وقوع زلزله‌ای مخرب و آسیب‌پذیر شدن نظام سیاسی، سازمان‌هایی همچون سازمان ملل متحد و ناتو و همچنین قدرت‌های بزرگ مثل امریکا و انگلیس به مداخله در امور سیاسی کشور می‌پردازند. از همین رو، نحوه برخورد با هر نوع پیشنهاد در اداره امور کشور و یا مرجع پیشنهاددهنده مستلزم مدیریت دقیق و مناسب است. نهادهای مسئول مثل شورای امنیت ملی که وظیفه تأمین امنیت را در زمان بحران دارد و همچنین وزارت امور خارجه باید بر اساس برنامه‌های از پیش تنظیم‌شده به مدیریت این پیشنهادها پردازند.

■ **مدیریت رسانه‌ای پس از زلزله:** همان‌گونه که اشاره شد، امروزه رسانه‌ها به عنوان یک فناوری مهم برای واکنش نسبت به بحران پدیدار شده‌اند.^(۳۸) درک مردم و برداشت آنها از وقایع، بستگی به نوع اطلاعاتی دارد که در محیط درز پیدا می‌کند؛ بنابراین رسانه‌ها می‌توانند به تفسیر مردم از وقایع شکل بدهند^(۳۹) و هرگونه ترس بی‌دلیل را فرو نشانند^(۴۰)، بنابراین پس از بحران، رسانه‌ها باید در کنار آرام کردن جو جامعه، هدف خود را اطلاع‌رسانی صادقانه، تقویت همبستگی مردم و مسئولان و جلب مشارکت مردمی برای کمک به مسئولان قرار داده و از سوی دیگر با آموزش و اطلاع‌رسانی صحیح به منظور کاهش آلام بازماندگان و تلاش برای بازگرداندن آنها به زندگی عادی تلاش کنند.^(۴۱)

۴-۳. اقدامات مدیریتی بلندمدت

کاهش آسیب‌های ناشی از سوانح طبیعی فرایندی بلندمدت است. لذا لازم است این مسئله توسط مقامات سیاسی کشورها کاملاً شناخته شود تا بدون توجه به تغییرات سیاسی کوشش‌ها تداوم یافته و استمرار یابند.^(۴۲) اقدامات مدیریتی بلندمدت در حوزه مدیریت و تصمیم‌گیری سیاسی غالباً به تمرکززدایی از مراکز تصمیم‌گیری

سیاسی و توزیع قدرت حکومت در سطح ملی اشاره دارد که باید طی یک دوره طولانی مدت به تدریج انجام پذیرد. این اقدامات پتانسیل‌های بحران‌زایی سیاسی را از پایتخت که ممکن است همواره در اثر یک عامل طبیعی مثل زلزله و یا انسانی مثل جنگ فعال شوند، از بین می‌برد. با تمرکززدایی از مهم‌ترین مراکز تصمیم‌گیری سیاسی و توزیع محلی قدرت، حساسیت و خطرپذیری پایتخت از حیث بحران‌خیزی کاهش می‌یابد. طبعاً با این اقدامات، نظام سیاسی در مقابل حوادثی چون زلزله با آسیب‌پذیری کمتری مواجه می‌شود. در ادامه به مهم‌ترین اقدامات مدیریتی بلندمدت در این حوزه اشاره می‌شود.

■ **توزیع محلی قدرت از طریق افزایش مراکز تصمیم‌گیری محلی مثل شوراهای و اعطای اختیارات پیش‌بینی‌شده به آنها:** به طور کلی، در ایران از زمان تشکیل حکومت مدرن از حیث توزیع اقتدار، نظام سیاسی متمرکز رواج داشته است.^(۴۳) به نظر می‌رسد فرصت‌های قانونی مناسبی وجود دارد که با استفاده از آنها می‌توان تا اندازه‌ای فرایند توزیع محلی قدرت را عملی کرد. در یک مبحث جمع‌بندی‌شده می‌توان گفت توزیع محلی قدرت اصلی‌ترین راهکار فائق آمدن بر بحران‌های نظام سیاسی در پایتخت است. با عملی شدن این فرایند، نهادها و تصمیم‌گیران به لحاظ مکانی پراکنده شده و طبعاً در چنین شرایطی نظام فرصت بیشتری برای مقابله با تهدیدها و بحران‌های احتمالی پایتخت را خواهد داشت. مطالعه بحران‌های سیاسی ناشی از سوانح طبیعی در نظام‌های سیاسی غیرمتمرکز نشان می‌دهد مدیریت این‌گونه بحران‌ها عملی‌تر و نسبت به بحران‌های مشابه در نظام‌های سیاسی متمرکز راحت‌تر بوده است. در ساده‌ترین بیان، فرایند توزیع قدرت در مناطق مختلف کشور باعث می‌شود اولاً، با وقوع یک حادثه طبیعی و یا انسانی در مرکز، نظام سیاسی ساقط نشود و ثانیاً، با آسیب‌پذیر شدن یک منطقه، مدیریت آن از سایر مناطق به راحتی انجام بگیرد.

به طور کلی قانون اساسی جمهوری اسلامی، فرصت‌های قانونی مناسبی را برای تمرکززدایی از قدرت ایجاد کرده که عملاً به اجرا در نیامده‌اند. مطابق تقسیمات کشوری، سطح میانی از ۳۱ استان تشکیل شده که در رأس هرکدام از آنها استاندار - در رأس نهاد حکومتی که استانداری نامیده می‌شود - قرار دارد. اگر به

طور انتزاعی به شرح وظایف مذکور در قانون توجه شود، اساساً به نظر می‌رسد با یک حاکم واقعی منطقه‌ای سروکار داریم که جز اختیارات مالی، همه اختیارات دیگر را دارد. اما در عمل، استاندار اقتدار زیادی ندارد. زیرا اداره‌های دولتی استان‌ها، شعب وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها در سطح ملی هستند. در سطح شهرستان، بخش و روستاها نیز در قانون اساسی، اختیارات قانونی برای مقامات محلی پیش‌بینی شده که در عمل به اجرا می‌آید. در همه این موارد، فرماندار، بخشدار و دهبان تحت نظر وزارت کشور و بدون اختیارات عملی فعالیت می‌کنند.^(۴۴)

غیر از این نهادهای حکومتی محلی، عنصر غیر متمرکز دیگری نیز همواره در تلاش بوده تا در بین نهادهای متمرکز جایی برای خود بیابد و بر کل نظام سیاسی تأثیر بگذارد. این عنصر، شورا نام دارد که به‌رغم پیشینه تاریخی از زمان انقلاب مشروطه و همچنین تأکید قانون اساسی بر کارکرد آن، از کارکرد مناسب خود بازمانده است. شوراها شامل شوراهای اسلامی استان، شهر، شهرک، بخش، دهستان، روستا، منطقه و محله به لحاظ نظری دارای اختیارات گسترده‌ای در قانون شوراها هستند؛ با این وجود، در حال حاضر گستره عمل آنها بسیار محدود است.^(۴۵)

مطالعه قانون اساسی و قانون شوراها و سایر تشکیلات نشان می‌دهد که برای عملکرد مناسب نهادهای محلی و در نتیجه تمرکززدایی سیاسی و اداری، مجرای قانونی مناسبی وجود دارد.^(۴۶) این امر زمینه مناسبی را برای مدیریت بلندمدت بحران اقتدار مشروعیت نظام فراهم می‌کند. تمرکززدایی سیاسی و اداری از پایتخت و سپردن بخشی از فرایند قدرت به مقامات و نهادهای محلی و به‌ویژه شوراها تا اندازه زیادی پتانسیل‌های بحران‌زایی نظام را که ممکن است در اثر وقوع زلزله تهران فعال شوند، از بین می‌برد.

■ **تمرکززدایی از مراکز حیاتی تصمیم‌گیرنده نظام از طریق انتقال بخشی از مراکز حیاتی تصمیم‌گیرنده نظام به شهرهای کمتر آسیب‌پذیر:** چنان‌که اشاره شد، یکی از زمینه‌های بحران‌زایی سیاسی در تهران تمرکز شدید نهادهای سیاسی در پایتخت است؛ بنابراین هر حادثه و یا عاملی که شهر را دچار اغتشاش و یا آشوب سازد، نهادهای سیاسی آسیب‌پذیر خواهند شد. به طور خاص در مورد زلزله نیز چنان‌که اشاره شد، پراکندگی نهادهای سیاسی نسبت به گسله‌های زلزله به شکلی است که

وقوع یک زلزله مخرب این نهادها را تا اندازه زیادی آسیب‌پذیر می‌سازد. بنابراین لازم است با انتقال بخشی از مراکز حیاتی تصمیم‌گیرنده نظام به شهرهای کمتر آسیب‌پذیر، پتانسیل بحران‌زایی پایتخت در مواقع اضطراری مثل شرایط پس از زلزله کاهش یابد. با این انتقال، دولت در بحران گرفتار نمی‌شود و در صورت وقوع زلزله می‌تواند در زمانی کوتاه عملیات امداد و مهار بحران را آغاز و به خوبی آن را مدیریت کند.^(۴۷) آسیب‌پذیری کمتر در مقابل زلزله، نزدیکی به پایتخت، انجام تدابیر امنیتی پیشین قبل از انتقال مراکز، توجه به فضای سیاسی آرام شهر و یا ناحیه از مهم‌ترین شرایط و ویژگی‌های مورد نظر در این زمینه است. بحث انتقال پایتخت نیز که اخیراً باب محافل علمی و مدیریتی شده در همین راستا مطرح است. با این وجود به نظر می‌رسد انتقال پایتخت به دلایلی امکان‌پذیر نباشد.^(۴۸)

■ **افزایش تعداد نخبگان سیاسی تصمیم‌گیرنده محلی برای تعدیل اثرات حوادث غیرمترقبه سیاسی در مرکز:** به نظر می‌رسد تعیین نخبگان تصمیم‌گیرنده مورد اعتماد محلی در سطوح مختلف استانی، شهرستان، بخش و روستا تا اندازه زیادی می‌تواند زمینه‌های بحران‌زایی نظام سیاسی را در بلندمدت از بین ببرد.

به واسطه تمرکزگرایی شدید در نظام سیاسی ایران، نهادهای سطوح محلی مثل استانداری، فرمانداری و بخش‌داری فاقد اختیارات لازم در امر تصمیم‌گیری‌های محلی هستند. افزایش تعداد نخبگان سیاسی تصمیم‌گیرنده محلی در صورتی امکان‌پذیر است که پیشاپیش موانع اجرایی اختیارات حقوقی نهادهای محلی رفع شده و مسیر برای تقویت این نهادها در سطوح محلی تر فراهم شود.^(۴۹)

■ **ایجاد مراکز تصمیم‌گیری سیاسی خاص در استان‌ها برای مدیریت و برنامه‌ریزی سریع مسائل سیاسی مرکز در شرایط اضطراری:** علاوه بر تعیین استان‌های معین و تهیه و تدوین برنامه‌های مدیریتی آنها، ایجاد مراکز تصمیم‌گیری خاص سیاسی در هریک از استان‌ها به منظور مدیریت و برنامه‌ریزی مسائل سیاسی مرکز در رابطه با آن استان لازم و ضروری است. این مورد نیز طرحی بلندمدتی است که نهادهای مسئول و به‌ویژه وزارت کشور، باید با توجه به وضعیت بحران‌خیزی شهر تهران در صدد راه‌اندازی و همچنین تهیه و تدوین برنامه‌های اجرایی آن برآیند.

وجود هریک از مراکز و نهادهای سیاسی خاص با برنامه‌های اجرایی از پیش تعیین شده می‌تواند با پُر کردن خلأهای مدیریتی بین مرکز و استان‌های مربوطه از گسترده شدن بحران خاص پایتخت در سطح ملی جلوگیری کند. این مراکز می‌توانند با اقناع کردن خواسته‌های عمومی در زمینه‌های مختلف مانع از بروز آشوب‌ها و شورش‌های سیاسی و در نتیجه گسترده‌تر شدن بحران اقتدار و مشروعیت نظام شوند.

■ **تلاش برای ایجاد همگرایی اقوام با دولت مرکزی:** از آنجاکه هرچه عدالت بیشتر باشد، تعهد و وفاداری افراد به نظام بیشتر می‌شود و پدیده قوم‌مداری ضعیف می‌شود،^(۵۰) دولت باید مهم‌ترین هدف خود نسبت به اقوام را ایجاد عدالت قرار دهد. یکی از علل واگرایی در مناطق مرزی توسعه‌نیافتگی این مناطق است. با دور شدن از مناطق مرکزی کشور به سمت مرزها توسعه‌نیافتگی به‌وضوح مشاهده می‌شود که می‌تواند عنصر واگرایی را در مناطق مرزی تقویت کند. دولت باید از طریق عمران و توسعه مناطق مرزی، همگرایی در بین اقوام را گسترش دهد. از سوی دیگر اهتمام برای جذب نیروهای بومی در مسئولیت‌های ملی می‌تواند به تقویت هویت ملی در برابر هویت قومی کمک کند. همچنین با عدم تمرکز بر هویت و مذهب، دولت باید سیاست تکثرگرایی برابر را در پیش بگیرد^(۵۱) تا مشارکت همه‌جانبه اقوام برای همبستگی ملی در بحران زلزله احتمالی تهران را مهیا کند.

نتیجه‌گیری

سوانح طبیعی به واسطه ماهیت ناگهانی بودن حادثه، می‌توانند نظم اجتماعی جوامع را نسبت به اثرات عوامل غیرطبیعی همچون جنگ، با آسیب‌های جدی‌تر مواجه سازند. در جوامع امروزی تعدد سطح برخورداری‌ها، گسترش ارتباطات، افزایش نیازهای توسعه‌ای و... موجب شده دامنه تأثیرات ناشی از سوانح طبیعی به فراتر از مناطق آسیب‌دیده گسترش یابد و از سوی دیگر فراوانی و شدت تأثیرات و پیامدهای آن در مناطق آسیب‌دیده گسترده‌تر و شدیدتر شود. بر اساس گفته‌ها و نوشته‌های متخصصان امر، احتمال وقوع زلزله مهیب در تهران دور از انتظار نیست.

این گزاره کلی که در سال‌های اخیر، جزئیات آن مورد کنکاش بیشتری قرار گرفته، مسئولان کشور را به واکنش واداشته و به نوبه خود یکی از مهم‌ترین مباحث مطرح در مدیریت مسائل کلان جامعه شده است.

در مطالعات جامعه‌شناسی سیاسی، بحث بحران سیاسی و فرایند مدیریت آن از جنبه‌های مختلف مفهومی و نظری دارای ابعاد وسیع و پیچیده‌ای است. احتمالاً این گستردگی با حضور متغیرهای دخالت‌کننده غیر سیاسی همچون سوانح طبیعی که در نقش عوامل بحران‌زا ظاهر می‌شوند، بیشتر خواهد شد. سوانح طبیعی به مثابه متغیر دخالت‌کننده غیر سیاسی، حوزه گسترده‌تری را به‌ویژه در امر فرایند مدیریت بحران شامل می‌شود. بر این اساس سوانح طبیعی هم می‌توانند بحران‌های سیاسی ایجاد کنند و هم در نقش متغیر مستقل و یا کنترل بر فرایند مدیریت این بحران‌ها اثرگذار باشند.

در چهارچوب رویکرد سیستمی، آسیب‌های مستقیم زلزله احتمالی تهران به نظام سیاسی ایران به آسیب‌هایی اطلاق می‌شود که به طور مستقیم نهادها و مراکز فیزیکی نظام سیاسی و همچنین نیروی انسانی موجود در آنها را که متصدی اجرای نقش به عنوان یکی از اجزای اصلی سیستم سیاسی هستند، دچار آسیب می‌سازد. زلزله احتمالی تهران به طور غیرمستقیم و از طریق محیط پیرامونی سیستم نیز ممکن است، نظام سیاسی را آسیب‌پذیر سازد. در این شرایط با ایجاد اختلال در کارکردهای اجتماعی نظام سیاسی، روند بازخوردهای آن در جامعه دچار اختلال شده و محیط اجتماعی احتمالاً عرصه هرج و مرج طلبی سیاسی به صورت تنش، آشوب، شورش و غیره خواهد شد. علاوه بر این، محیط خارجی نظام سیاسی نیز ممکن است دچار اختلال شود. در اینجا با تضعیف اقتدار مرکزی در پایتخت عرصه عمل مناسبی برای بازیگران مخالف فرامرزی پدیدار شده و باعث می‌شود نظام سیاسی از جانب آنها مورد هجوم قرار گیرد.

به طور کلی برای خشتی کردن این آسیب‌پذیری‌ها می‌توان اقدامات مدیریتی را در دو مرحله کوتاه‌مدت و بلندمدت به انجام رساند. هریک از اقدامات مدیریتی کوتاه‌مدت و بلندمدت در حوزه‌های آسیب‌پذیر سیاسی تا اندازه زیادی می‌تواند آسیب‌ها و بحران‌های سیاسی احتمالی زلزله را کاهش داده یا مانع شوند. اقدامات

مدیریتی کوتاه‌مدت که خود به سه اقدام مدیریتی پیش از زلزله، حین زلزله و پس از زلزله تقسیم می‌شود، در هریک از حوزه‌های آسیب‌پذیر به طور خاص، بر اقدامات ویژه ایمن‌سازی در مقابل زلزله متمرکز است. اقدامات مدیریتی بلندمدت در حوزه مدیریت و تصمیم‌گیری سیاسی غالباً به تمرکززدایی از مراکز تصمیم‌گیری سیاسی و توزیع قدرت حکومت در سطح ملی اشاره دارد که باید طی یک دوره طولانی‌مدت به تدریج انجام پذیرد. این اقدامات پتانسیل‌های بحران‌زایی سیاسی را از پایتخت که ممکن است همواره در اثر یک عامل طبیعی مثل زلزله و یا انسانی مثل جنگ فعال شوند، از بین می‌برد. با تمرکززدایی از مهم‌ترین مراکز تصمیم‌گیری سیاسی و توزیع محلی قدرت، حساسیت و خطرپذیری پایتخت از حیث بحران‌خیزی کاهش می‌یابد. جامعیت این اقدامات مدیریتی سبب می‌شود تا نظام سیاسی در مقابل آسیب‌ها و بحران‌های سیاسی ناشی از زلزله احتمالی ایمن شود. *

پی‌نوشت‌ها

۱. محسن ابراهیم‌پور، «پیامدهای اجتماعی زلزله بم در روستاهای آسیب‌دیده»، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۱، شماره ۴، ص ۱۷۵.
۲. علی زنگی‌آبادی و نازنین تبریزی، «زلزله تهران و ارزیابی فضایی آسیب‌پذیری مناطق شهری»، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۶، ص ۱۱۷.
۳. مجید وحید (۱۳۸۷)، «تهران در آینه سیاست‌گذاری شهری»، فصلنامه سیاست، شماره ۴، ص ۲۸۲.
4. Menoni. S., "chains of damage and failure in a metropolitan invironment: some observation in the kobe earthquake in 1995", *Journal of Hazardous Materials*, Vol. 86, Issues 1-3, Retrived from www.elsevier.com
5. Chung-hung. T & Cheng-Wu. C., "An earthquake disaster management mechanism based on risk assessment information for thr tourism industry- a case study from the island of tiawan", *Tourism Management*, Vol. 31, Issue 4, Retrived from www.elsevier.com
6. Altindag. A, Ozen. A & Sir. A., "One-year follow-up study of posttraumatic stress disorder among earthquake survivors in Turkey", *Comprehensive Psychiatry*, Vol. 46, Issue 5. Retrived from www.elsevier.com
۷. محمدرضا تاجیک، مدیریت بحران: نقدی بر شیوه‌های تحلیل و تدبیر بحران در ایران، (تهران: نشر فرهنگ گفتمان، ۱۳۷۹)، ص ۱۲۳.
8. Archives. cnn.com/2000/asianow/southeast/04/20/indonesia.clashes
۹. رسول افضلی، آسیب‌شناسی و مدیریت آسیب‌های سیاسی زلزله احتمالی، (تهران: جلد اول، وزارت کشور، ۱۳۸۵)، ص ۲۳۰.
۱۰. رضا حسین زاده، «برنامه‌ریزی شهری همگام با مخاطرات طبیعی با تأکید بر ایران»، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره سوم، ص ۶۹.

۱۱. امین فرجی و مهدی قرخلو، «زلزله و مدیریت بحران شهری»، فصلنامه جغرافیا، سال هشتم، شماره ۵، ص ۱۴۶.
۱۲. نیکلاس امبرسز و چارلز ملویل، تاریخ زمین لرزه‌های ایران، مترجم: ابوالحسن رده، (تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۷۹)، ص ۴۳.
۱۳. حسین بشیریه، دموکراسی و جامعه مدنی در جمهوری اسلامی ایران، (تهران: نشر مؤسسه علوم نوین، ۱۳۸۰)، ص ۱۲۲.
۱۴. رسول افضلی، آسیب‌شناسی و مدیریت آسیب‌های سیاسی زلزله احتمالی، (تهران: جلد اول، وزارت کشور، ۱۳۸۴)، ص ۱۲۴.
۱۵. عباس زارع، مبانی مشروعیت و قدرت در جمهوری اسلامی ایران، (تهران: نشر فرهنگ و دانش، ۱۳۸۰)، ص ۲۳۴.
۱۶. مانوئل بربریان و همکاران، پژوهش و بررسی ژرف نوزمین ساخت، لرزه زمین ساخت و خطر زمین لرزه در گستره تهران و پیرامون، (تهران: نشر سازمان زمین‌شناسی کشور، ۱۳۷۱)، ص ۱۷۱.
۱۷. نادر بیرویدیان، مدیریت بحران: اصول ایمنی در حوادث غیرمنتظره، (مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، ۱۳۸۵)، ص ۳۷.
۱۸. زهرا پیشگاهی فرد و مریم امیدی آوج، «ارتباط بین پراکندگی اقوام ایرانی و امنیت مرزها»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال پنجم، شماره اول، صص ۵۱ و ۴۸.
۱۹. محمدرضا حافظ‌نیا، جغرافیای سیاسی ایران، (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۱)، ص ۲۳۰.
۲۰. حمید ضیایی پرور، جنگ نرم (۱): ویژه جنگ رایانه‌ای، (تهران: نشر مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۳)، ص ۲۳۱.
۲۱. مؤسسه آموزشی صنایع دفاع، چشم‌انداز مشترک ارتش امریکا در افق ۲۰۰۲، (تهران: مؤسسه آموزشی صنایع دفاع، ۱۳۸۴)، ص ۸۷.
۲۲. حمید ضیایی پرور، جنگ نرم (۲): ویژه جنگ رسانه‌ای، (تهران: نشر مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۳)، ص ۲۵۶.
۲۳. جفری هریسون، و جان کارون، مدیریت استراتژیک، مترجم: بهروز قاسمی، (تهران: نشر آبتین، ۱۳۷۸)، ص ۱۲۴.
۲۴. سید علی اصغر کاظمی، مدیریت سیاسی و خط مشی دولتی، (تهران: نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹)، ص ۷۵.
۲۵. مرکز مطالعات مقابله با سوانح طبیعی ایران، کاربرد مدیریت بحران در کاهش ضایعات ناشی از زلزله، (تهران: مرکز مطالعات مقابله با سوانح طبیعی ایران، ۱۳۸۰)، ص ۳۴.
۲۶. مازیار حسینی، مدیریت بحران، (تهران: انتشارات سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر

تهران، ۱۳۷۸)، ص ۲۱۲.

۲۷. سعید نایب اسدالله، تهران در انتظار زلزله، (تهران: انتشارات علوی، ۱۳۷۷)، ص ۲۱.

28. Nilufer Tas. N, Cosgun. N & Tas. M (2007), "A qualitative evaluation of the after earthquake permanent housings in Turkey in terms of user satisfaction-Kocaeli", *Gundogdu Permanent Housing model Building and Environment*, Vol. 42, Issue 9, Retrived from www.elsevier.com

۲۹. زاله شادی طلب و همکاران، بررسی آسیب پذیری شهر تهران در برابر زلزله (ابعاد اجتماعی - اقتصادی)، (تهران: نشر پژوهشگاه بین المللی زلزله شناسی و مهندسی زلزله، ۱۳۷۱)، ص ۲۴۱.

۳۰. گزارش سازمان مدیریت بحران شهر تهران، آشنایی اجمالی با سازمان مدیریت بحران شهر، (تهران: سازمان مدیریت بحران شهر تهران، ۱۳۸۴)، ص ۲۳.

31. Ergonul. S., "A probabilistic approach for earthquake loss estimation", *Structural Safety*, Vol. 27, Issue 4, Retrived from www.elsevier.com

۳۲. محسن سراجی، «پیامدهای اقتصادی، سیاسی و انسانی زلزله در پایتخت»، مجله راه و ساختمان، فروردین ۸۴، ص ۱۶۵.

۳۳. سید داوود آقایی، «نقد و بررسی نظریه های مطرح درباره نقش رسانه ها در مدیریت بحران»، فصلنامه پژوهش های ارتباطی، شماره ۵۶، ص ۸.

۳۴. اصغر افتخاری، «مدیریت رسانه های بحران»، فصلنامه پژوهش های ارتباطی، شماره ۵۵، ص ۴۹.

۳۵. ابراهیم احراری، «راهبردهای رسانه ای برای پیشگیری از بحران»، فصلنامه پژوهش های ارتباطی، شماره ۴۳، ص ۱۶۱ و ۱۷۲.

۳۶. حسن خجسته، «بحران بلایای طبیعی و نقش ویژه رادیو در کنترل آن»، فصلنامه پژوهش های ارتباطی، شماره ۴۳، ص ۷.

۳۷. سید رضا نقیب السادات، «تهدیدهای رسانه ای و مدیریت بحران»، فصلنامه پژوهش های ارتباطی، شماره ۵۵، ص ۱۳۴.

38. Yates, D., & Paquette, S., "Emergency knowledge management and social mediatechnologies: A case study of the 2010 Haitian earthquake, *International Journal of Information Management*, Vol. 31, Issue1, Retrived from www.elsevier.com

39. Seon-kyoung. A & Gower. K., "How do the news media frame crises? A content analysis of crisis news coverage", *Public Relations Review*, Vol. 35, Issue 2, Retrived from www.elsevier.com

۴۰. کریس اسکینر، و گری، مرشام، مدیریت سوانح، مترجم: حمیدرضا جعفری، (تهران: انتشارات

- دانشگاه تهران، ۱۳۸۷)، ص ۳۹.
۴۱. حسن خجسته و ظهیر احمدی، «اصول اخلاق حرفه‌ای خبرنگاران و رسانه‌های ارتباط جمعی در مدیریت بحران زلزله»، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، شماره ۵۶، ص ۵۲.
۴۲. مریم هادی‌زاده، مدیریت بحران کاهش آسیب‌پذیری در برابر بلایای طبیعی، (تهران: انتشارات آذر برزین، ۱۳۸۶)، ص ۲۷.
۴۳. ذره میرحیدر و قربانعلی زکی، «بررسی نظام جغرافیایی - سیاسی ناحیه‌ای و امکان سنجی آن در ایران»، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۲، ص ۶۲.
۴۴. حسین عظیمی، ایران امروز در آینه مباحث توسعه، (تهران: نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸)، ص ۳۴.
۴۵. احمد نقیب‌زاده، حزب سیاسی و عملکرد آن در جوامع امروز، (تهران: نشر دادگستر، ۱۳۷۸)، ص ۱۲۳.
۴۶. غلامرضا کامیار، حقوق و قوانین شهری، (تهران: نشر مجد، ۱۳۷۸)، صص ۲۵-۱۲.
۴۷. محمود حسینی، «مشکلات تهران در مقابله با زلزله از دیدگاه طراحی و برنامه‌ریزی شهری و راهکارهایی برای حل آن»، پژوهش‌نامه زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله، سال نهم، شماره چهارم، ص ۴۱.
۴۸. رسول افضل‌ی، آسیب‌شناسی و مدیریت آسیب‌های سیاسی زلزله احتمالی (تهران: وزارت کشور، ۱۳۸۵)، صص ۶۱۰-۶۰۲.
۴۹. رابرت ماندل، چهره متغیر امنیت ملی، مترجم: پژوهشکده مطالعات راهبردی، (تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۷)، ص ۲۳۷.
۵۰. آرین قلی‌پور و علی اصغر پورعزت، «تأملی بر نقش رسانه ملی در رصد و مدیریت بحران‌های پنهان اجتماعی: مدیریت قومیت‌ها»، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، شماره ۵۶، ص ۴۰.
۵۱. زهرا پیشگاهی فرد، و مریم امیدی آوج، «ارتباط بین پراکندگی اقوام ایرانی و امنیت مرزها»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال پنجم، شماره اول، صص ۶۸ و ۶۹.